

یادداشت سیاسی

- مهدی سامع
mehdi_samee@yahoo.com
انتشار مقاله "گرائینگ‌گاه اصلاحات کجاست؟" و جنجالی که یس از آن در مطبوعات وابسته به جناح‌های مختلف رژیم برپا شد، چند سؤال به وجود آورده است.
- آیا هدف واقعی طراحان این بحث تعریف اصلاحات، تعیین هدف و "مرکز ثقل و موتور محرکه اصلاحات" است.

- آیا آن گونه که مطبوعات وابسته به جناح خامنه‌ای هم چون رسالت، کیهان و شما گفته اند، این مقاله توضیح‌تئوریک "عبور از خاتمی" است.

- با طراحان مقاله و استراتژیست‌های جنگ روانی در جبهه دوم خرداد هدف دیگری را تعقیب می‌کنند که باید این هدف را مستقل از بحث‌هایی که در آن مقاله بدان پرداخته شده، درک کرد.

نشریه عصر ما، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در شماره ۶ مهر خود این مقاله را به چاپ رسانده، تاکنون برای جبهه دوم خرداد نقش یک نشریه‌تئوریک و ترویجی را ایفا کرده و برخی از مهمترین استراتژی‌های جبهه دوم خرداد، در این نشریه به چاپ رسیده است. در مقاله گرائینگ‌گاه اصلاحات کجاست، هدف اصلاحات "رسیدن به جامعه بی تحت حاکمیت قانون، که قانون اساسی در آن اولاً مبنای ثانیاً محترم و ثالثاً به تمامی اجرا شود" تعریف شده و پس از برشمردن برخی چالش‌هایی که در مقابل دولت، مجلس، مطبوعات، جنبش دانشجویی و ... به عنوان اجزایی از "مرکز ثقل و موتور محرکه اصلاحات"، گفته شده "مرکزی مشتمل بر همه احزاب دوم خردادی و نمایندگان از این فراکسیون اخیراً تحت مدیریت آقای موسوی خویینی‌ها ایجاد شده است که هم اینک در حال بررسی راهبردها، بهره‌گیری بیشتر از ظرفیتهای نیروهای دوم خردادی است" و بالاخره نتیجه گرفته که "این مرکز" صالح‌ترین "مرکز ثقل اصلاحات" است.
بقیه در صفحه ۲

شرکت هیأت نمایندگی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در پلنوم فراکسیون چپ متحد اروپا و چپ سبز شمال در پارلمان اروپا

در صفحه ۲

زن و مسیر رهایی

در صفحه ۵

گزارشی از وضع سلامتی زنان در کشورهای جهان سوم

در صفحه ۶

در باره زنان و بازیهای المپیک

در صفحه ۶

مجلس ارتجاع در ماهی که گذشت

در صفحه ۷

رانت خواران محصولات فولادی

در صفحه ۸

ادبیات ایران در هزاره دوم

در صفحه ۹

در گوشه و کنار جهان

در صفحه ۱۶

موضع مقاومت ایران در مورد مسافرت خرازی به بغداد

آقای مسعود رجوی در پاسخ به سؤال صدای مجاهد در روز ۳ اردیبهشت در باره سفر وزیر خارجه رژیم اخوندی به بغداد گفت: هم چنان که در دو دهه گذشته، دهها بار اعلام کرده ایم، بار دیگر به سردمداران استبداد مذهبی حاکم بر ایران می‌گوییم: بفرمایید صلح کنید، خواهش می‌کنیم صلح کنید، و راستی اگر خامنه‌ای و خاتمی و خرازی در دعاوی صلح طلبانه خود صادقند، چرا بالادرنگ و در همین سفر بغداد قرارداد صلح پایدار را که دولت عراق هم پیوسته متقاضی و خواهان آن بوده است، امضا نمی‌کنند.

آقای رجوی در بخشی از این مصاحبه اضافه کرد که: از این پیشتر گفته بودیم و یکبار دیگر از روی متن گفتگوی دو سال و نیم پیش عیناً برایتان می‌خوانم و تکرار می‌کنم که: امضای قرارداد صلح، نفی ولایت فقیه و پیستن درآمد استجانه رژیم اخوندی است که خواه و ناخواه به شکستن طلسم اختناق راه می‌برد. به این دلیل است که گفته ایم: بفرمایید صلح کنید، خواهش می‌کنیم صلح کنید. مغلوب شدن ولایت فقیه نفی اساسی بنیادگرایی و صدور ارتجاع و به زیر علامت سؤال کشیده شدن سپاه پاسداران با امضای قرارداد جامع صلح محقق می‌شود و به همین دلیل در ده سال گذشته رژیم اخوندی از آن سرباز زده است

رژیم ولایت فقیه البته به این سادگیها تن به صلح نخواهد داد و روزی هم که از ترس ارتش آزادیبخش فرضاً به صلح تحمیلی تن بدهد، دیگر خیلی دیر شده است.

پس کسی باید از صلح بترسد که بود و نبودش به جنگ وابسته است. برای مقاومت ایران و برای مجاهدین اما، صلح سوخت و سوز ندارد، حال اگر ضعف و زهر خوردگی رژیم به اینجا برسد که به صلح تن دهد، دیگر باید دکان صدور ارتجاع و تروریسم راه که طعمه اصلی آن عراق بود، تخته کند. به این ترتیب شاخ ولایت فقیه یکبار دیگر از ترس ارتش آزادیبخش در هم می‌شکند که لاجرم به ترک برداشتن و شکستن طلسم اختناق منجر خواهد شد. یعنی که ارتش آزادیبخش موجب در هم شکستن طلسم اختناق شده است. شق بعیدی است، اما اگر چنین شود فی‌المراد، چرا که به مثابه در هم شکستن شیشه عمر رژیم اخوندی است

دیدگاهها —

"راه کارگر" و راه دراز
سرنگونی

محاكمه اشكوری در بی
دادگاه شرع

خراب هر چه دیوار بی
پنجره

از میان نامه‌ها

از صفحه ۱۰ تا صفحه ۱۳

اخبار کارگری

صفحه ۳ و ۴

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲
 طرح ایجاد "مرکز" جدید و اعلام این که موسوی خوینیهها "مدیر" این مرکز است سبب آن شد که روزنامه های کیهان، رسالت و هفته نامه شما بحث "عبور از خاتمی" را پیش کشیده و اعلام کنند که "زادیکالهای" دوم خردادی درصدد ایجاد یک الترناتیو برای خاتمی هستند. این بحث به ویژه وقتی دولت خاتمی نتوانسته به هیچ یک از وعده هایی که داده عمل کند، در شرایطی که مجلس ششم سترون بودن خود را آشکار کرده و در شرایطی که اکثر مطبوعات وابسته به دوم خرداد یکی پس از دیگری تعطیل شده اند و به خصوص در شرایطی که جنبش توده ای هر روز ابعاد گسترده تری می یابد، بحثی مقبول به نظر می رسد. اما مقبول بودن ای بحث مشروط به آن است که تئوریسینها و استراتژیستهای جنگ روانی در جبهه دوم خرداد را افرادی تازه کار و کودن تصور کنیم. واقعیت این است که مقاله "گرانیکاه اصلاحات" نه برای تشریح اهداف اصلاحات و تعیین مرکز ثقل آن، بلکه برای هدف دیگری نوشته شده است. این هدف برخلاف آن چه کیهان و رسالت به آن دامن می زنند "عبور از خاتمی" و قرار دادن خوینیهها در مقابل آن نیست. در این که موقعیت عمومی، سابقه و نفوذ خوینیهها در نیروهای رژیم بسیار بیشتر از خاتمی است، جای هیچ بحثی نیست. اما مسأله امروز دوم خردادیها و منجمه موسوی خوینیهها به مثابه یکی از چهره های پشت پرده این جریان، نه سابقه و نفوذ، بلکه پشت سر گذاشتن موفقیت امیز انتخابات آینده است. برای تمامی گردانندگان اصلی جبهه دوم خرداد، هیچ تردیدی وجود ندارد که بهترین کاندیدا برای انتخابات ریاست جمهوری ارتجاع، همین خاتمی با همه ی ناتوانیهایش می باشد. اما تئوریسینهای دوم خردادیها با طرح "مرکز" جدید

می خواهند جناح خامنه ای را به "مرکز" قدیم یعنی خاتمی برسانند. دفاع کیهان و رسالت و این که هفته نامه شما ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی در شماره ۱۶ مهر خود مطرح کرده که "اگر خاتمی نتوانست چه کسی می تواند"، نشان می دهد که حداقل روزنامه های طرفدار خامنه ای تمایل بیشتری به خاتمی نشان می دهند و این امری است که اگر ادامه یابد، اینان را به این نتیجه خواهد رساند که بهترین کاندیدا برای طرفداران "دوب در ولایت" خاتمی است و بنابراین این جناح بهتر است به جای معرفی یک کاندیدا که صد در صد شکست خواهد خورد، از خاتمی که اکنون نفوذش در جبهه دوم خرداد در حال کاهش است حمایت کنند. اگر خامنه ای و طرفداران دُوب در ولایت او به این نتیجه برسند، طراحان اصلی مقاله "گرانیکاه اصلاحات" به هدف خود دست یافته اند. و خامنه ای و طرفداران او به فاحش ترین و کشنده ترین خطای سیاسی مبادرت ورزیده اند. زیرا اگر مرز نزدیکترین مورد اعتمادترین فرد برای طرفداران "دوب در ولایت" خاتمی باشد، تمامی مرزها و فاصله هایی که طی چهار سال گذشته خامنه ای با تشنه های بسیار حفظ کرده تا در فرصت مناسب از آن سود جوید، یکباره فرو خواهد ریخت. آیا خامنه ای و طرفداران او که می دانند هر کاندیدای برای انتخابات آینده معرفی کنند، به شکست محتوم دچار خواهد شد، دست به این خطای بزرگ خواهند زد؟ در یک جامعه بحرانی و پر تلاطم، پیش بینی قطعی چنین امری بسیار مشکل و شاید غیر ممکن باشد اما می توان فرض کرد که اگر انتخاباتی با حضور خاتمی به عنوان یکی از کاندیداها و بازنده شدن کاندیدای مورد حمایت طرفداران دُوب خامنه ای، یک امتیاز منفی در تعادل قوا برای خامنه ای باشد، حمایت از خاتمی صدامتیز منفی در تعادل قوا به حساب آنان واریز می کند.

تسکرت هیأت نمایندگی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در پنوم فراکسیون چپ متحد اروپا و چپ سبز شمال در پارلمان اروپا

دیدارهای جداگانه هیأت با رؤسای گروه پارلمانی حزب احیاء کمونیستی ایتالیا و حزب کمونیست یونان و ملاقات با مسئول دفتر سیاسی فراکسیون چپ متحد اروپا و چپ سبز شمال
 دیدارهای جداگانه هیأت با رؤسای گروه پارلمانی حزب احیاء کمونیستی ایتالیا و حزب کمونیست یونان و ملاقات با مسئول دفتر سیاسی فراکسیون چپ متحد اروپا و چپ سبز شمال
 به دعوت فراکسیون چپ متحد اروپا و چپ سبز شمال در پارلمان اروپا، هیأتی از سوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، متشکل از رفقا زینت میرهاشمی، مهرداد قادری و منصور امان در پنوم این فراکسیون در محل پارلمان اروپا شرکت نمودند. ابتدا آقای وایتس، رئیس فراکسیون ضمن خوش آمد گویی، بر تمایل فراکسیون خود مبنی بر رابطه نزدیکتر با سازمان تاکید نمود و اهمیت این امر در کمک به اتخاذ سیاستهای عینی پیرامون مسائل ایران را برشمرد. سپس طی گفتگو و تبادل نظری که متعاقباً صورت گرفت، اعضای هیأت نقطه نظرات سازمان در ارتباط با تحولات سیاسی ایران را بیان داشته و به سؤالات حاضرین پاسخ گفتند.
 در ملاقات با آقای لویجی وینچی، رئیس گروه پارلمانی حزب احیاء کمونیستی ایتالیا، پیرامون مسائل مورد توجه طرفین، گفتگوهایی صورت گرفت.
 در دیدار هیأت با آقای واسیلیس، دبیر کل گروه پارلمانی حزب کمونیست یونان در پارلمان اروپا، شرایط سیاسی حاکم بر ایران و تلاشهای دیپلماتیک رژیم برای ارائه یک تصویر غیر واقعی از آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت.
 طی یک ملاقات دیگر با مسئول دفتر سیاسی فراکسیون چپ متحد اروپا و چپ سبز شمال، آقای استلان هرمانسن، نقطه نظرات سازمان حول مسائل داخلی تشریح گردید و زمینه های همکاریهای آتی با فراکسیون مورد بررسی قرار گرفت.

"راه پیمایی جهانی زنان" در بلژیک برای اعتراض به فقر و خشونت علیه زنان

روز شنبه ۱۴ اکتبر هزاران نفر علیه خشونت بر زنان، فقر و برای برابری جنسی در بروکسل راه پیمایی کردند. تظاهرکنندگان که بالغ بر سی هزار نفر بودند از سراسر اروپا و دیگر کشورها به همراه گروهها و نمایندگان خود از کنگو گرفته تا عراق و فیلیپین از جلوی مقر اتحادیه اروپا گذشته و به مرکز شهر بروکسل رسیدند. بسیاری از زنان با لباسهای رنگین و ملی خود و آرمهایی که تهیه کرده بودند با خواندن آوازاها و سرودهای محلی به زنان خود راه پیمایی کردند و گروههای موسیقی از برزیل، ایرلند و مجارستان در پارک مرکزی بروکسل با اجرای موسیقی فضای پر شوری به تجمع زنان دادند. در میان زنان، بلژیکها محیط و وضع شغلی بهتر، هم جنس گرایان فرانسوی برای اتمام تعیض و زنان اندونزی برای صلح در کشورشان و همچنین گروهی از زنان فلسطینی و اسرائیلی که توسط یک سازمان ایتالیایی سازماندهی شده بودند به نام زنان در لباس سیاه برای صلح، دیده می شد. معاون نخست وزیر بلژیک نیز از این راه پیمایی حمایت کرد و گفت "وقتی که سخن از اجحافهای اجتماعی، بیکاری، حقوق کم و غیره به میان می آیند زنان اولین قربانیان آن هستند."
 این تظاهرات یکی از ۴ هزار تظاهراتی بود که در سراسر جهان توسط "راه پیمایی جهانی زنان" که از ماه مارس در مقابله دفتر سازمان ملل در ژنو صورت گرفت، بود.

محکومیت مطبوعات

همشهری ۱۳مهر- مدیرمسئول هفته نامه "قم امروز" بنا به حکم شعبه یک دادگستری قم به یک میلیون ریال جزای نقد، شش ماه حبس و یکسال محرومیت از مسئولیتهای مطبوعاتی محکوم شد.

لغو مجوز ۳ نشریه

همشهری ۱۴مهر- معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد در آخرین جلسه هیات نظارت بر مطبوعات مجوز انتشار سه نشریه "ایدین"، "دانش حسابرسی" و "نوا" لغو شد. این سه نشریه قبلاً به دلیل انتشار نیافتن به مدت طولانی و براساس ماده ۱۶ قانون مطبوعات اخطار دریافت کرده بودند.

توقیف شش نشریه

آبهر ۲۷مهر- در جلسه هیات نظارت بر مطبوعات با استناد به ماده ۷قانون مطبوعات مقرر شد از انتشار نشریات افکار، ستاره سهیل، رخصت پهلوان، میلاد و جهان پزشکی جلوگیری و پرونده این نشریات به دادگاه مطبوعات ارجاع شود.

امار تلفات جنگ

مدیر کل امار و اطلاعات" بنیاد شهید" اعلام کرد، ۱۸۸هزار و ۱۵۵نفر در جریان جنگ هشت ساله در جبهه های نبرد شهید شده اند. هادی قلم نویس روز ۳ مهر به خبرگزاری رژیم (ایرنا) گفت، از این تعداد ۱۷۱هزار ۲۳۵نفر در جبهه های جنگ و ۱۶هزار ۷۸۰نفر بر اثر حملات هوایی و توپخانه ای دشمن به شهرها و مناطق مسکونی ایران به شهادت رسیده اند. وی گفت، ۴۴درصد شهدا در گروه سنی ۱۶ تا ۲۰سال، ۳۰درصد در گروه سنی ۲۱ تا ۲۵سال، ۸درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰سال و مابقی شهدا در سایر گروههای سنی قرار دارند. شهدای ۲۰ ساله ۱۴ درصد شهدا را تشکیل می دهند که نسبت به سایر سنین شهدا، بیشترین نسبت را شامل می شوند. وی اعلام کرد که میانگین سن شهدا در زمان شهادت در حدود ۲۳سال بوده است.

اخبار کارگری —

قراردادهای موقت کار حق جامعه کارگری را ضایع کرده است

همشهری ۲۷ شهریور - کسانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در نامه سرگشاده ای به رئیس جمهور ضمن انتقاد از وضعیت معیشتی و حقوق کارگران موقت خواستار اصلاح قانونمند شدن روابط کارگران و بیماران کاران شدند. در این نامه آمده است: قراردادهای موقت کار سالهاست حق جامعه کارگری را ضایع کرده است و با توجه به عدم توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار شرایط لازم برای استثمار نیروی کار در قالب قراردادهای موقت به وجود آمده است و کارفرمایان بدون رعایت حداقلهای قانونی اقدام به عقد قراردادهایی می نمایند که نظام برده داری را تداعی می کند

سهم زنان از کل اشتغال کشور ۱۲ درصد است

همشهری ۳۱ شهریور - یک کارشناس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور گفت: سهم اشتغال زنان ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان در سطح پایینی قرار دارد. به عنوان مثال سهم اشتغال زنان در سنگاپور در سال ۱۹۹۷ حدود ۴۱ درصد، در تایلند ۴۲ درصد و در ایران حدود ۱۲ درصد است. به گزارش ایرنا علیرضا امینی افزود: زنان در مقایسه با مردان از فرصتهای شغلی کمتری برخوردارند که این مشکل می تواند از طریق افزایش سطح تحصیلات و مهارت، تغییر نگرشهای حاکم بر جامعه و تغییر قانون کار تخفیف یابد. وی افزود: در سال ۱۳۶۵ تعداد شاغلان زن به حدود ۹۷۷ هزار نفر و سهم اشتغال زنان به حدود ۸.۸ درصد کاهش یافت. این در حالی است که تعداد شاغلان مرد حدود ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر افزایش یافته که به معنای جایگزینی نیروی کار مرد به جای نیروی کار زن است. امینی تصریح کرد: نرخ بیکاری زنان در سال ۶۵ به حدود ۲۵.۴ درصد افزایش یافت که تاثیر آن ناامیدی برخی از زنان در کسب فرصتهای شغلی و خروج از بازار بود

بیکاری، فقر، یأس و افسردگی در ایلام

جمهوری اسلامی ۷ مهر - عبدالرضا حیدری زاده نماینده ایلام

طی سخنانی مشکلات مردم این شهر را تشریح کرد و بیکاری، فقر، یأس و افسردگی و خودکشی را از جمله این مشکلات دانست. وی گفت: سهم ایلام از صنعت نیم درصد است. پروژه های زیادی در استان ایلام شروع شده ولی اکثرا نیمه کاره رها شده است. اعتباراتی که در زمان دفاع مقدس در استان جذب نشده، کجا رفته یا به کجا ذخیره شده است؟

کارگران شرکت ساختمانی ژیان به علت عدم دریافت حقوق اعتصاب کردند

جمهوری اسلامی ۱۰ مهر - تعداد ۷۰ نفر از کارگران شرکت ساختمانی ژیان واقع در شهرستان ماهشهر به علت عدم دریافت حقوق شش ماهه خود در محل آن شرکت واقع در جاده ماهشهر به بندر امام تجمع نموده و خواستار پیگیری مسئولین شدند. برخی خبرها حاکی از وقوع این مشکل در تعداد دیگری از شرکتهای ماهشهر می باشد. شایان ذکر است اخراج بی رویه کارگران در صنایع پتروشیمی و شرکتهای وابسته، عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران، استفاده از نیروهای غیربومی بجای بومی که مهمترین مشکلات کارگران می باشد

اعتراض کارگران نساجی

کیهان ۱۳ مهر - کارگران نساجیهای شماره ۲ و ۳ قائمشهر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات معوقه در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. در این تجمع که بیش از هزار نفر شرکت کرده بودند یکی از کارگران معترض علت اجتماع را پیگیری وعده فرماندار و سایر مسئولان در پرداخت حقوق و بنهای معوقه کارگران حداکثر تا چهارم مهر ذکر کرد که تاکنون به این وعده عمل نشده است.

کار و کارگر ۱۳ مهر - ۵۰۰ تن از کارگران کارخانجات نساجی طبرستان و ولکدر قائمشهر در اعتراض به وضعیت شغلی و حقوقی خود در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند

تعطیلی کارخانجات

کار و کارگر ۱۳ مهر - بیش از ۵۰ درصد از کارخانجات شهرک صنعتی آبادان تعطیل هستند. کاظمی، رئیس صنایع آبادان و حرمشهر، با اعلام این مطلب، گفت: متأسفانه این واحدها به دلیل مشکلات نقدینگی توان ادامه ی

اعتراض کارگران بهشهر

کیهان ۱۶ مهر - کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات ۹ ماهه خود دست از کار کشیدند. ۱۸۰۰ کارگر کارخانه چیت سازی بهشهر با اجتماع در مقابل فرمانداری ایس شهر ضمن ابراز همدردی با مردم مسلمان و مظلوم فلسطین و سردادن شعارهایی به حمایت از آرمان شهدای فلسطین، خواستار رسیدگی به مشکلات خود از سوی مسئولان شدند

نهادهای و بنیادها ۷۰ درصد از اقتصاد کشور را در دست دارند

حیات نو ۱۹ مهر - بنیادها با استفاده از رانتهای سیاسی و مجوزهای خاص وارد عرصه کشور شدند ولی تاکنون هیچ سهمی در افزایش تولید ناخالص داخلی نداشته اند. علی ظفر زاده نماینده مردم مشهد در مجلس و عضو کمیسیون صنایع و معادن در گفتگو با خبرنگار اقتصادی ایسنا با بیان این مطلب، گفت: در دوران سازندگی و برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، دستگاههای دولتی و وزارتخانه ها وارد فعالیت اقتصادی شدند و این مسأله آفت اقتصاد و مصیبت برای مردم به همراه داشت. وی افزود: وجود رانتهای مجوزهای انحصاری در بنیادها بخش خصوصی را از سرمایه گذاری نا امید و ریشه این موسسات و بنیادها را تقویت کرد به طوری که در حال حاضر اینها در مقابل مشارکت عامه مردم در عرضه اقتصاد مقاومت و اخلاص ایجاد می کنند و همه جا نفوذ دارند. وی تاکید کرد: مجلس و دولت مصمم است که نفوذ و دست این گونه موسسات و بنیادها را از عرصه اقتصاد کوتاه کنند. وی با اشاره به ایجاد اقتصاد رقابتی گفت: اگر امتیازات خاص دولتی اعم از اعطای ارزشهای خاص و رانتهای موجود، از بنیادها گرفته شود و آنها بتوانند در صحنه رقابت با بخش خصوصی خودشان را حفظ کنند آن وقت می توان فعالیت آنها را مثبت ارزیابی کرد. ظفرزاده تصریح کرد: حدود ۷۰ درصد از اقتصاد کشور در دست نهادهای و بنیادها است که بعضی از این دستگاهها همچون استان قدس رضوی، از معافیت هایی برخوردار هستند که باید به تدریج طی برنامه سوم لغو شوند.

فعالیت ندارند و یک سرمایه ی ملی را کد در منطقه مانده است. کاظمی از بانکها خواست با پرداخت تسهیلاتی که پرداخت آن برای صاحبان صنایع سهل تر باشد به داد آنان برسد. وی گفت: درحالی که آبادان با مشکلات عدیده ی بیکاری و فقر دست و پنجه نرم می کند برای ایجاد اشتغال، مسئولین باید همه گونه همکاری داشته باشند. از سوی دیگر در تماس با صاحبان این واحدها آنان به شدت از سیاستهای غلط دولت در عدم حمایت از صنایع و راهنماییهای کارشناسانه انتقاد کردند. هم چنین یک گزارش دیگر می افزاید شوری آب آبادان در سال جاری به خصوص در بخش مواد غذایی به صنایع این شهر لطمه وارد کرده است. صاحبان صنایع تعطیل شده از استاندار خوزستان و نمایندگان این استان خواستار حل مشکلاتشان شدند.

اعتراض شالیکاران آمل و فریدون کنار

کیهان ۱۳ مهر - برنجکاران آملی در اعتراض به نابسامانی مراکز خرید برنج پرمحصول جاده هزار را مسدود کردند. شالیکاران آملی در یک اقدام هماهنگ و با سردادن شعارهای اعتراض آمیز ضمن عبور از خیابانهای اصلی شهر در مقابل فرمانداری تحصن کرده و به طرح مشکلات و خواسته های خود پرداختند. برنجکاران متحصن با اشاره به عدم حمایت جدی دولت از تولیداتشان گرانی نهادهای تولید و ادوات کشاورزی، و رکود بازار برنج و ناتوانی در پرداخت بدهی به سیستم بانکی و تامین معیشت خانواده را از مشکلات اساسی خود ذکر کرده و از بی توجهی دولت به رفع نیازهای کشاورزان و به ویژه در فصل برداشت محصول برنج انتقاد کردند. گفتنی است در ادامه اعتراض به سیاستهای دولت و فعالیت مراکز خرید برنج به مدت چند ساعت جاده هزار را مسدود کرده و شعب برخی از بانکهای آمل نیز برای ساعاتی فعالیت خود را تعطیل کردند. براساس گزارش دیگری همچنین کشاورزان برنجکار فریدون کنار نیز در اعتراض به سیاستهای دولت در زمینه برنج که منجر به رکود بازار و زیانهای عمده به شالیکاران شد، در حیابانهای این شهر به راهپیمایی آرام پرداخته و از مسئولان خواستند تا به مشکلاتشان رسیدگی عاجل کنند.

اخبار کارگری —

تغییر در ساختار نساجی شماره ۲ قائمشهر

همشهری ۲۱ مهر - دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران گفت: بیش از بیست ماه قبل کارخانه شماره ۲ نساجی قائمشهر برای نوسازی خطوط تولید تعطیل شد و شورای عالی کار، کارگران آن را مشمول بیمه بیکاری شناخت و مقرر شد براساس مصوبه فوق این واحد در مدت ۱۸ ماه بازسازی شود و کارگران نیز ۵۰ تا ۸۰ درصد از آخرین دستمزد خود را در این مدت دریافت کنند. نصرالله دریابگی افزود: طرح بازسازی و تغییر ساختار این کارخانه از اسفند ۷۷ شروع شد ولی شرکت نساجی مازندران با گذشت ۱۸ ماه از مهلت خواسته شده برای بازسازی هنوز نتوانسته است به تعهدات خود عمل کند. وی خاطر نشان ساخت: کارگران نگران آینده خود هستند. وی تعداد کارگران شاغل در این کارخانه را دوهزار و ۱۱۴ نفر اعلام کرد و افزود: با توجه به بحران بالای بیکاری در قائمشهر، باید برای اجرای صحیح تعهدات در نساجی قائمشهر جهت بازسازی و حفظ اشتغال موجود بیش از این تلاش شود. دریابگی ورود منسوجات خارجی، مستهلک بودن ماشین آلات، ضعف مدیریت و نبود سیاست گذاری صحیح برای فروش کالا را از مهمترین مشکلات کارخانه های نساجی ذکر کرد.

اعتراض کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر

تولیزیون رژیم ۲۷ مهر - کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر در اعتراض به دریافت نکردن حقوق و مزایای خود، امروز به همراه خانواده های خود در پارک ملت این شهر تجمع کردند. هرچند نمایندگان کارگران و

مسئولان کارخانه چیت سازی توافق کرده بودند که طبق جدولی زمانبندی شده کلیه معوقه های حقوق و سایر مزایا به کارگران پرداخت شود، اما کارگران خواستار پرداخت فوری مطالبات خود هستند.

یک کارگر می گوید: تجمع کارگران الان سه چهار روزی است، بیشتر به خاطر حق و حقوق معوقه گذشته کارگران است. ما بارها و بارها همین جور که شما مستحضر هستید و مسئولین هم می دانند، گوشزد کردیم و ابلاغ کردیم، طومار دادیم، تا بحال هیچ جواب مثبتی به ما ندادند. واقعا وضع کارگران کارخانه چیت سازی رقت باره حدود هزار و خورده بی نفر الان مشغولند، جمعا ۱۸۰۰ نفر الان ۹ ماه ۱۰ ماه حقوق طلبکار هستند، عیدی و پاداش طلبکار هستند، سهمیه برنج طلبکارند، بن طلبکارند، و هیچ کس تا به حال جواب ما را نداد.

یک کارگر دیگر: همه حمل و نقل ما برای حق و حقوقمان است. هیچ مقصود دیگری نداریم. ما امیدیم جلوی فرمانداری تجمع کردیم که به مسئولین محترم شهر بهمانیم که ببخشید که این طلب رو ندادید، متوجه باشند که ما به خاطر حقوق امیدیم اینجا، هیچ بحث هم با هیچ کس نداریم.

یک کارگر دیگر: اینها می آیند به ما می گویند آقا ماهی ده تومان به شما می دهیم، ماهی ده تومان در این دوره زمانه به هیچ خانواده بی تاثیر نمی گذاره، چطور رو چه عقلی، رو چه حسابی، رو چه فکری، رو چه برنامه یی اینها ده تومن رو پیشنهاد کردند. منی که فرزندم می خواهد برود مدرسه کیف نداره، لباس نداره، کفش نداره، می روم کمیته امداد خواهش می کنم به من کفش بده، کمیته امداد به من می گوید آقا تو جرو کارخانه هستی داری حقوق می گیری، حقوق من خبری نیست.

اعتراض کارگران کارخانه نساجی سیمین

رسالت ۲۷ مهر - صدها نفر از کارگران کارخانه نساجی سیمین اصفهان در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در ۶ ماه گذشته در مقابل هتل کوثر اصفهان اجتماع کردند و ساعتی خیابان مقابل هتل را مسدود نمودند. یکی از کارگران در این مراسم گفت حقوق کارگران را پرداخت نمی کنند اما به ما می گویند زشت است در شهر تجمع کنید

بسته شدن جاده شمال توسط اهالی شهرک پردیس

جمهوری اسلامی ۲۸ مهر - جاده مواصلاتی تهران به شمال کشور ساعت ۸ صبح دیروز توسط عده بی از ساکنان شهر جدید پردیس در اعتراض به مسائل شهری و بهداشتی بسته شد و مسدود شدن جاده ترافیک سنگینی به وجود آمد که پس از حضور بخشدار مرکزی تهران و قول مساعد مبنی بر رفع مشکلات ساکنان پردیس ساعت ۱۱ صبح جاده باز شد. شهر پردیس با جمعیت ده هزار نفر در ۲ کیلومتری شرق تهران در کنار جاده تهران - دماوند قرار دارد.

اعتصاب ۷ هزار نفره

انتخاب ۲۸ مهر - از اهواز خبر رسیده است که حدود هفت هزار نفر از کارکنان شرکت منی حفاری ایران دست به اعتصاب زده اند. این عده سست به واگذاری سهام شرکت مزبور به بخش خصوصی معترض هستند و معتقدند که این کار باعث فروپاشی شرکت های سود ده نفتی مانند شرکت ملی نفت و شرکت ملی حفاری خواهد شد.

همبستگی با تحصن کارگران شرکت ملی حفاری ایران

هم زمان با تحصن و حرکت های اعتراضی کارگران چیت سازی بهشهر، کارگران و کارکنان شرکت ملی حفاری ایران در اعتراض به فروش سهام این شرکت دست به تحصن زده اند.

جاسم شدیدزاده نماینده مجلس ارتجاع از اهواز طی گفتگو با خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) وحشت خود را از حرکت یکپارچه کارگران اعلام کرد و گفت: «طی تماسی که با بعضی از دوستان داشته ام از آنان درخواست کرده ام فعلا از راههای مسالمت آمیز و ارتباطاتی که با وزارت نفت و نهادهای اقتصادی و ریاست جمهوری وجود دارد، این صدا را به آنها برسانند و قضیه طوری نشود که به بحث اصلاحات در مجلس ضربه بزند». (ایسنا - ۲۶ مهر)

سازمان چریک های فدایی خلق ایران، حمایت خود را از خواسته های بر حق کارگران و کارکنان شرکت ملی حفاری ایران اعلام کرده و همبستگی خود را با حرکت های کارگری اعلام می کند. ما از سازمان بین المللی کار و نهادهای مدافع حقوق بشر خواستار اقدام عاجل برای حمایت از کارگران ایران هستیم.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران
سه شنبه ۲۶ مهر ۱۳۷۹

دروود بر مردم رنج دیده عجبشیر

(گرامی باد خاطره سجاد ظهیری)

از روز شنبه ۱۶ مهر مردم رنج دیده عجبشیر دست به یک سلسله تظاهرات و اقدامات اعتراضی علیه رژیم زدند. در جریان این جنبش اعتراضی جوانان این شهر با شعارها و اقدامات انقلابی خود تنفر و انزجارشان را از استبدادی -

مذهبی حاکم بر میهن ما نشان دادند.

بسیار اشتباه خواهد بود که جنبش های اجتماعی مردم ایران را به انگیزه های اولیه که مردم با متوسل شدن به آن به اعتراض مبادرت می ورزند، محدود کرد. جنبش های اجتماعی مردم ایران که دیروز در ابدان، خرم آباد و ... به وقوع پیوست و امروز در عجبشیر جریان دارد، نشان دهنده تضاد اشنی ناپذیر مردم ایران با رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ماست. مردم ایران رژیم ولایت فقیه و تمام دسته بندی های درونی آن را نمی خواهند و از هر فرصتی برای ابراز خشم و انزجار خود سود می جویند.

ابعاد قیام مردم عجبشیر و ابراز خشم و نفرت جوانان این شهر از رژیم حاکم بر کشور، به قدری بود که روزنامه های حکومتی مجبور به اعتراف به آن شدند. روزنامه ها و خبرگزاریها از بسته شدن یک پارچه ی بازار، زخمی شدن تعداد زیادی از مردم، کشته شدن تعدادی از جوانان و به ویژه کشته شدن یک دانش آموز ۱۷ ساله به نام سجاد ظهیری خبر بخش کرده اند. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۱۸ مهر مردم شرافتمند عجبشیر را «آغتشاشگران» نامید. قیام مردم عجبشیر که تا امروز همچنان ادامه دارد و در جریان آن نیروهای سرکوبگر رژیم صدها نفر را زخمی، دستگیر و تعدادی را به قتل رساندند، نمونه ای از هزاران حرکت کارگری، دانشجویی و مردمی است که سرانجام با قیام مسلحانه انقلابی بساط ننگین رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه را سرنگون خواهد کرد.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران با درود به مردم رنج دیده و قهرمان عجبشیر و حمایت از خواسته های عادلانه آنان، خاطره دانش آموز قهرمان سجاد ظهیری را گرامی داشته و شهادت او را به خانواده و دوستان او تسلیت می گوید. سازمان چریک های فدایی خلق ایران چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۳۷۹

زن و مسیر رهایی

— لیل

usalayla@yahoo.com

محاکمه مجریان قتل زنان مددکار السالوادور

یکشنبه ۸ سپتامبر - سرانجام روز شنبه ۱۰ اکتبر دو فرمانده ارتش گارد ملی سابق السالوادور به نامهای Carlos و Vides casanova Euganio پس از گذشت ۲۰ سال به خاطر قتل چهار زن آمریکایی که در جنبش السالوادور شرکت داشتند برای محاکمه به دادگاه خواهند رفت. این چهار زن که ۳ نفر آنها روحانیان کلیسا و یک نفر مددکار اجتماعی بوده اند در زمان جنگ انقلابی چریک‌های فارابوندومارتی با دولت السالوادور به چریک‌های سمپاتی داشتند و دولت به خاطر ایجاد رعب و وحشت و خاموش کردن سمپاتی‌های فارابوندومارتی اقدام به این قتلها کرده است. در سال ۱۹۸۴، ۵ نفر نظامی از گارد ملی محاکمه و محکوم به ۳۰ سال زندان شدند اما ۴ سال بعد در سال ۱۹۹۸، ۴ نفر اقرار کردند که از فرماندهان دستور داشته اند. سال گذشته پس از آن که خانواده این چهار زن اطلاع پیدا می کنند که این دو ژنرال در ایالت فلوریادای آمریکا از ۱۰ سال قبل زندگی می کنند، شکایت خود را به دادگاه فلوریادای می برند. وکلا و اعضای خانواده این زنان می گویند: "این محاکمه تنها به خاطر این زنان نیست بلکه به خاطر هزاران نفر از مردم السالوادور است که با دستور این دو نفر به قتل رسیده اند."

تظاهرات زنان لبنانی

یکشنبه ۲۴ سپتامبر - هزاران زن لبنانی با حمل پرچم لبنان و آرم‌هایی که خواست هایشان در آن منعکس بود در خیابان‌های بیروت راهپیمایی کردند. این زنان

خواستار حقوق خود و معترض به تبعیض جنسی و خشونت بودند. در میان آنها زنان با سن‌های مختلفی و برخی نیز بر روی صندلی‌های چرخدار بودند و با خواندن ترانه و سرود دسته جمعی از مردان خواستند که به صدای رنج کشیده آنها گوش فرا دهند. روی یکی از آرم‌ها نوشته شده بود: "حقوق ما نمی تواند تا حل مشکلات سیاسی صبر کند." این راهپیمایی از مقابل موزه ملی و خط کشی سبز که در زمان جنگ داخلی مسلمانان و مسیحیان، در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۵ کشیده شده بود، شروع شد. ۵۰ نفر مرد نیز در این تظاهرات شرکت کرده بودند. گروهی که این راهپیمایی را سازماندهی کرده بود، (LCRVAV) شورای مقاومت لبنانی علیه خشونت به زنان نام دارد.

مادالین البرایت و موضوع رئیس جمهوری زنان

سه شنبه ۱۹ سپتامبر - خانم مادالین البرایت وزیر خارجه ایالات متحده، که همواره به صورت علنی و با غیر علنی سعی کرده است از دستیابی زنان به شغل‌های حساس و کلیدی حمایت کند اعلام کرده که برای کمک به رسیدن یک زن به مقام رئیس جمهوری از هیچ تلاشی خودداری نخواهد کرد. او که خود متولد کشور امریکای شمالی نیست، بنا بر قانون این کشور نمی تواند کاندید ریاست جمهوری باشد، با این حال ضمن این که اظهار کرد تا به حال به رئیس جمهورشدش فکر نکرده گفت که این قانون بایستی عوض شود و هر کس حق کاندیدای رئیس جمهوری را داشته باشد. مادالین البرایت در مراسمی که توسط نیویورک تایمز ترتیب داده شده بود گفت: "در مدت زمان چهار سالی که یکی از مقام‌های بالای

ایس کشور را در تصدی داشته هرگز احساس نکرده که به خاطر زن بودنش احترام کمتری به او گذاشته شده است. خصوصاً از طرف دیگر کشورها. او گفت: "راستش را بخواهید کار با مردان امریکایی خیلی سخت تر از مردان دیگر کشورها بوده است." حدود ۲۰۰ نفر زن حاضر با کف زدن و خندیدن از این سخن استقبال کردند. او هم چنین گفت که با تمام وزیران زن دیگر کشورها قرار گذاشته است که همیشه تلفن‌های یکدیگر را جواب دهند و این قول به پیشبرد کارهایشان بسیار کمک کرده است.

بردگان جنسی و شکایت از ژاپن

دوشنبه ۱۸ سپتامبر - چند تن از زنان کشورهای تایلند، فیلیپین، کره و چین که هم اکنون شهروند کشور امریکای شمالی هستند با استفاده از قانونی که در قرن هیجدهم در ایس کشور تصویب شده از کشور ژاپن به دادگاه شکایت کرده اند. طبق این قانون شهروندان امریکایی می توانند از کشورهایی که قوانین بین المللی را نادیده گرفته اند به دادگاه شکایت کنند. این زنان در دوران جنگ جهانی جهانی دوم با عنوان "زنان آرامش بخش" توسط ارتش ژاپن به بردگی جنسی وادار شده اند.

طبق آمار تاریخ نویسان حدوداً ۲۰۰ هزار زن در آن زمان به محلهایی به نام "استراحتگاه" فرستاده شده اند. دولت ژاپن اعلام کرد که قبلاً به اندازه کافی خسارت این اعمال را پرداخته است (حدود مبلغ ۸۶۰ هزار دلار). اما اکثر این زنان از دریافت پول خودداری کرده اند و گفته اند که مبلغ ناچیزی است. سازمان ملل متحد بنا بر مصوبه ماه گذشته خود

(شرح در نبرد خلق ۱۸۴) این اعمال را جنایات جنگی اعلام کرده است. این زنان که در حال حاضر حدود ۷۰ سال دارند آسانتر خواهند توانست به هدف خود دست بیابند.

حق پیوستن زنان به خط مقدم نبرد

۲ اکتبر - خبرگزاری فرانسه: (جف هون) وزیر دفاع بریتانیا روز دوشنبه گفت، ارتش بریتانیا در نظر گرفته که قانون مربوط به ممنوعیت شرکت سربازان زن از خدمت در واحدهای رزمی خط مقدم را برچیند. جف هون به روزنامه تایمز گفت زنان از قبل هم در کارهای خط مقدم نیروهای مسلح و در واحدهای یتشباری و خلبانی هواپیماهای جنگنده و در ناوهای جنگی شرکت داشتند. وی گفت این، به این معناست که زنان هم از این به بعد در مواضعی خواهند بود که مانند مردان می توانند بکشند. تحت قوانین بریتانیا زنان از درگیری مستقیم و حضور در نیروی پیاده ممنوع بودند. تجدید نظر در این قانون در بریتانیا شروع شده و تحت بررسی است. جف هون قبلاً هم در لیبرالیزه کردن ارتش سابقه داشته است.

جنایت علیه زنان

۱۶ اکتبر - روزنامه انگلیسی زبان ایران نیوز از قول روزنامه ایران روز گذشته نوشت: در تهران در هر شش روز یک زن مورد تجاوز، قتل و نقض عضو قرار می گیرد. روزنامه ایران نوشت اجساد ۳۰ زن، که برخی زیر سن قانونی داشتند، طی شش ماه گذشته، در حالی که صورت تمامی اینها سوخته، و به آنها تجاوز شده بود، در تهران کشف شد. سن اکثر آنها بین ۲۵ تا ۳۵ بوده، در حالی که جوانترین اینها تنها ۱۵ سال داشت و گفته می شود که از خانه خود فرار نموده و به دست باندهای محلی افتاده بود. این روزنامه به نقل از پلیس نوشت آمار نشان می دهد که شمار فراریان از خانواده خود در سال گذشته در پایتخت ۳۰ درصد افزایش یافته است. این روزنامه می نویسد طی سال گذشته بیش از ۹۰۰ دختر و ۷۰۰ پسر به دلایل مختلف از خانه خود گریخته اند...

"راه پیمایی جهانی زنان" در آمریکا برای اعتراض به فقر و خشونت علیه زنان

روز یکشنبه ۱۵ اکتبر، راه پیمایی بزرگی در شهر واشنگتن دی سی برگزار شد که بخشی از تظاهرات سراسری جهان با عنوان "راه پیمایی جهانی زنان" بود. هزاران نفر از اقاص نقاط آمریکا برای شرکت در این تظاهرات به واشنگتن آمده و هم صدا با دیگر زنان سراسر جهان از دولت‌ها و انستیتوهای مالی جهانی مانند IMF خواستند که به مسائل مربوط به زنان توجه نشان داده و سیاست‌های مالی خود را تغییر دهند. در این تظاهرات که یکی از ۱۵۵ تظاهراتی بود که در دیگر کشورهای جهان برگزار می شد گروه‌های متعددی از انجمن‌ها و سازمان‌های زنان، از کشورهای متعددی شرکت کرده بودند و با آرم‌ها و شعارهای خود به این تظاهرات شور و جلوه خاصی می دادند. این زنان هنگام عبور از مقابل ساختمان IMF و بانک جهانی یکصدا فریاد زدند "تنگتان باد" "تنگتان باد". قرار است روز دوشنبه هیأتی از برگزار کنندگان این تظاهرات با نمایندگان بانک جهانی و IMF ملاقات کرده و در مورد کمک به کشورهای فقیر مذاکره کنند. این گروه روز سه شنبه نیز با کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد در نیویورک دیدار کرده و ۲ میلیون امضایی را که به اعتراض به خشونت علیه زنان و فقر زنان جمع آوری شده است به او خواهند داد. طی این راه پیمایی پر شور مردمی که در حاشیه خیابان‌ها به تماشا ایستاده بودند با حیرت و کنجکاو روی آرم‌ها را می خواندند. از جمله شعارهای بر روی پلاکاردها "حقوق سقط جنین"، "اعتراض به عمل ختنه زنان"، "بوش باید برود"، "برابری همین الان"، "آزادی استقلال برای همه"، "فمینیست‌ها اکثریت هستند" و "طرفداران بوش مردان سفید پوست هستند" و غیره دیده می شد. فعالان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در این راه پیمایی شرکت کرده و با بسیاری از زنان در مورد وضعیت زنان در ایران صحبت و گفتگو کردند...

گزارشی از وضع سلامتی زنان در کشورهای جهان سوم

منبع: ژورنال بین المللی امراض زنان و بارداری تاریخ: سپتامبر ۲۰۰۰ ترجمه: لیلا

بنا بر گزارش فدراسیون بین المللی امراض زنان و زایمان (FIGO) همه ساله قریب بر ۶۰۰ هزار زن در کشورهای جهان سوم به خاطر فقدان دارو و امکانات لازم برای دوران بارداری و وضع حمل جان خود را از دست می دهند. تنها ۵۳ درصد از زنان در سراسر جهان در هنگام وضع حمل از داشتن دکتر و یا متخصص برخوردار هستند. خانم آن تینکر متخصص بهداشت و سلامت بانک جهانی و یکی از تهیه کنندگان این گزارش می گوید: "از هر ۱۰ زن یک زن در کشورهای در حال توسعه جان خود را هنگام زایمان از دست می دهد که این رقم در کشورهای صنعتی بسیار کمتر است."

هم چنین گزارشی که توسط سازمانهای غیر دولتی از ۱۰۰ کشور تهیه شده نشانگر کیفیت بسیار پایین بهداشت و سلامتی زنان در کشورهای در حال توسعه می باشد که شامل سقط جنینهای انتخابی در مورد جنین کودک دختر به خاطر ازجیحیت جنسی صورت می گیرد و در کشورهای چین و هند بسیار متداول است. همچنین شیوع میکرب HIV در بین زنان بسیار جوان آفریقایی و فقدان آزمایشات و جلوگیری از سرطان که در بسیاری از کشورها اصلاً وجود خارجی دارد.

در این گزارش آمده است که فقر، فقدان سواد و آموزش و عدم دسترسی زنان

به امکاناتی که آنها را از ابتلا به بیماریهای مقاربتی محافظت می کند مشکل بسیار برای زنان ایجاد کرده است. برای مثال شیوع بیماری ایدز در آفریقا را می توان در نظر گرفت. در اینجا شانس زنان برای ابتلا به این بیماری ۴ برابر مردان است آن هم از طریق خودفروشی و یا به خاطر سنتهایی که حق انتخاب و تصمیم را از زن می گیرد. زنان بین سنهای

۱۸ تا ۲۵ سال بالاترین ریسک را در آفریقای جنوبی برای ابتلاء به بیماری ایدز دارند. این زنان غالباً به خاطر سنتها و آداب و رسوم سخت قبیله ای قادر نیستند از شوهرانشان بازخواست کنند. نداشتن تحصیل و متعاقباً استقلال مالی سد بسیار بزرگی در مقابل زنان می باشد زیرا آنها به دلیل نیازهای مالی از نظر اقتصادی و اجتماعی متکی به مردان هستند و قادر نیستند از سوء استفاده های فیزیکی و جنسی خود را راها کرده و به آن اعتراض کنند و از راههای مختلف جلوگیری از بارداری نیز اطلاعی ندارند.

با این همه می توان گفت که یلاتفرم اخیر جهانی که محصول کنفرانس جمعیت و رشد و توسعه جهانی در قاهره و هم چنین کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵ است، تأییراتی در فعالیت قانونگذاران کشورها گذاشته است و برخی از آنها اقداماتی در این خصوص کرده اند. برای مثال در نتیجه این اقدامات از سال ۱۹۹۱، ۴۰ درصد از مرگ به خاطر بارداری و وضع حمل در کشور هندوراس تقلیل یافته است و در هند دارو و مراقبت از زنان هنگام وضع حمل وضع بهتری پیدا کرده است. اما در این گزارش دکتر شیریش شت رئیس FIGO این تغییرات را بسیار ناچیز خوانده است و می گوید که: "در کشورهای در حال توسعه هنوز هزارها کیلومتر راه برای رسیدن به نجات زنان مانده است."

در باره زنان و بازیهای المپیک در سیدنی، استرالیا

لیلا - در هفدهمین روز بازیهای المپیک، میزبه کامپی، ۲۶ ساله تنها زنی که از ایران در مسابقات المپیک شرکت کرده بودند توجه جهانیان را جلب کرده و بدین وسیله موضوع مشکلات و نابرابریهای زنان مطرح گشته و بار دیگر نشان داد که مساله زنان هنوز حل نشده و راهی طولانی در پیش است. بسیاری از رسانه های خبری از موقعیت زنان در کشورهای که بنا به دلایلی با ورزشکار زن به کلی نداشتند و یا تعداد بسیار کمی در مسابقات المپیک شرکت کرده بودند، گزارش دادند. اگر چه امسال دو پنجم ورزشکاران مسابقات المپیک را زنان تشکیل می دادند اما بسیاری از ۱۹۹۶ کشور شرکت کننده فاقد ورزشکاران زن بودند یا تعداد آنها بسیار کم بود. در سال ۱۹۹۲ در بارسلونا از ۱۷۳ کشور ۳۵ کشور فقط ورزشکار مرد شرکت داشتند، چهار سال بعد در اتانتا از ۲۶ کشور همه مرد شرکت داشتند.

دلیل نبود یا کمبود حضور زنان در مسابقات المپیک چیست؟ به طور کلی می توان به سه دلیل خاص اشاره کرد.

۱- در حدود نیمی از کشورهای که هیچ زن ورزشکار نداشتند یا مانند ایران یک زن و کلاً تعداد بسیار کمی شرکت کرده بودند، کشورهایی هستند که تحت حاکمیت رژیمهای اسلامی می باشند. مانند عربستان سعودی، ایران، افغانستان و غیره ... یک زن مسلمان از الجزیره به نام Hassiba Bouhmuka که در سال ۱۹۹۲ برنده مدال طلا در مسابقات دو ۱۵۰۰ متری شد، بسیار ساده دلیل دور بودن زنان از ورزش و مسابقات ورزشی را در کشورهای اسلامی بیان کرد. او که مدالش را تقدیم به زنان مسلمان جهان کرد در مصاحبه ای گفت: "واقعیت این است که

با حجاب نمی توان ورزش کرد یا چادر نمی توان دوید همان طور که با شلوار کوتاه نمی شود به مسجد رفت." او این سؤال را مطرح کرد که واقعیت در اسلام چیست. آیا آیه قرآن که می گوید: "به زنان که از آنها متولد شده اید احترام بگذارید" درس است و یا عمل بنیادگرایان اسلامی مانند افغانستان. و اما در الجزیره که بنیادگرایان به زنان بی حجاب در صفهای اتوبوس شلیک می کنند با دیدن پاهای عریان این زن ورزشکار دوندۀ در مقابل چشم هزاران مرد چگونه برخورد خواهند کرد. از این روست که بر سر راه بسیاری از زنان که در این کشورها زندگی می کنند سدی عظیم وجود دارد.

۲- دومین دلیل اساسی را می توان از فرهنگ و سنتهای مردم یاد کرد. این سنتهای عقب مانده مانع ورود زنان به میدانهای ورزشی هستند. برای مثال می توان از کشورهای آمریکای جنوبی یاد کرد. آنها معتقدند که عضلانی شدن بدن زن قیافه و اندام ظریف آنها را خراب می کند یا آنها را از عقیم شدن می ترسانند. از آروگوئه تنها ۳ نفر از ۱۵ گروه شرکت کننده در مسابقات المپیک زن بودند زیرا در این قسمت جهان مانند برخی دیگر از کشورهای جهان جامعه نقش و انتخاب زن را تعیین می کند و نه خود زنان. در این نوع فرهنگ و جامعه ورزش تنها متعلق به مردان است.

۳- فقر، در بسیاری از کشورهای مردم فقیر تنها با تلاشهایشان می توانند نانی برای زنده ماندن تهیه کنند و این که زنده بمانند و یا سالم باشند تمام نیروی آنان را احاطه می کند. برای مثال در کشورهای آفریقایی فقر، بیسوادی و بیماری همه گیر است، به خصوص در میان زنان که به آنها محال شرکت در فعالیتهای ورزشی را نمی دهند. در بسیاری از نقاط از هر سه زن یک زن مبتلا به میکرب HIV هستند و درصد زنان مبتلا به بیماری ایدز دو برابر مردان

است. در بسیاری موارد زانی هم که بیمار نیستند ناچارند از بیماران مراقبت کنند. پیشبینی می شود که اگر چنانچه این وضع ادامه یابد دو سوم از جمعیت ۱۵ ساله فعلی جان خود را از دست خواهند داد.

بنابراین می توان دلیل شرکت نداشتن زنان را در این مناطق صرفاً فقر و بیماری دانست. بنابراین با این که شمار زنان شرکت کننده در بازیهای المپیک در سالهای اخیر بالا رفته با این حال استعمار، تعصب، فقر و بیماری هنوز موانع بزرگی بر سر راه زنان هستند و اگر چه طبق اساسنامه کمیته بین المللی المپیک "هر نوع تبعیض بر مبنای نژاد، دین، سیاست و یا جنسیت با شرکت در بازیهای المپیک در تضاد است" و این اصل توانست برای ۲۱ سال مانع شرکت آفریقایی جنوبی در بازیهای المپیک شود، اما اقدامات حدی دیگری صورت نگرفته است. به همین دلیل در سال ۱۹۹۵ یک زن وکیل به نام Linda Weilturiel در پاریس گروهی را تشکیل داد به نام اتانتاپلاس تا کمیته بین المللی المپیک را به خاطر بی توجهی به این اصل مورد مواخذه قرار دهند و آنها از این کمیته خواستند که از شرکت کشورهای بی حجابی که زنان را به خاطر تبعیضات فرهنگی، دینی و جنسی به مسابقات المپیک نمی آورند جلوگیری کنند. اما همان طور که در بازیهای المپیک امسال شاهد بودیم، چنین خواستی انجام نگرفته است.

مجلس ارتجاع در ماهی که گذشت

— اناهیئا . الف

anahita_2002@yahoo.com

پیرامون برخورد با مجلس ششم از همان ابتدا دو دیدگاه و خط مشی کاملاً متضاد در برابر هم صف آرایی کردند. گروهی آن را "مجلس اصلاحات" نامیدند و بنا بر این شرکت در انتخابات و حمایت از کاندیدای "جبهه دوم خرداد" را وظیفه خود دانستند. در مقابل گروهی دیگر از همان ابتدا اعلام کردند که این مجلس نه "مجلس اصلاحات"، بلکه یکی از نهادهای تابع ولایت فقیه و بنا بر این "مجلس ارتجاع" است. گروه دوم تحریم انتخابات و تقویت جنبش اجتماعی مردم ایران برای سرنگونی قهرامیز رژیم را وظیفه خود دانستند و اعلام کردند که این مجلس هیچ گام جدی نمی تواند در جهت خواسته های مردم بردارد و تنها هنر آن تشدید تضادهای درونی نظام است. پیگیری اخبار و رویدادهای مجلس ششم ارتجاع درستی خط مشی دوم را نشان می دهد.

در ماه گذشته مجلس ارتجاع صحنه جدالهای بی وقفه جناحهای درونی رژیم بود. گزارش "سازمان بازرسی کل کشور" وابسته به جناح خامنه ای پیرامون جنبش مردم خرم آباد، بحث مربوط به تعیین "جرم سیاسی" و "اجازه مسافرت زنان مجرد به خارج کشور" و نیز رای عدم اعتماد به وزیر پیشهادی خامنه ای که نکاف درونی جبهه دوم خرداد را آشکار کرد، از مهمترین رویدادهای ماه گذشته مجلس بود. پیرامون گزارش "سازمان بازرسی کل کشور" در روز ۲۹ شهریور حرفهای مختلفی زده شد. در همین روز هیات تحقیق و تفحص مجلس وارد خرم آباد شد. یوسفیان نماینده شیراز که عضو این هیات است گفت که این هیات قصد دارد با مردم و کسانی که اطلاعاتی در خصوص حادثه حرم آباد فاجعه روزهای ۵ و ۶ شهریور ماه دارند ملاقات کنند و سپس با دانشجویان صحبت کنند. وی اعلام کرد گزارش بازرسی کل کشور اتهامات زیادی داشت که مجلس و شورای امنیت ملی کشور همین حال پورنجاتی رئیس کمیسیون مجلس گفت: گزارش سازمان بازرسی کل کشور را از هر منظری بنگریم محل حدشه و اتهام است و حلو دار زاده، عضو هیات رئیسه مجلس این گزارش را نوعی پیشداوری و قضاوت دانست و استراتژی آرامش فعال را با توجه به بازگشایی دانشگاهها به دانشجویان تاکید کرد. سید ناصر قوامی نماینده

قزوین گفت: سؤال اینجاست که چرا سازمان بازرسی کل کشور در رابطه با حوادث قزوین یا کوی دانشگاه گزارش نداد و محسن ارمین نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی که خود شاهد حوادث خرم آباد بود این گزارش را تأسف بار خواند. دادستان کل کشور این گزارش را جامع و کامل خواند و شاهرودی، رئیس قوه قضائیه این گزارش را مستند خواند و از آن شدیداً دفاع کرد.

اخبار مربوط به این رویدادها را در زیر ملاحظه می کنید.
۲۶ شهریور: حقیقت جو نماینده تهران گفت: "هیچ کدام از هویتهای منقوش شده توسط آقای خامنه ای، شامل اسلامیت، جمهوریت و مدنیت از ملت گرفتاری نیست و حذف هر یک از آنها جامعه را دچار مشکل می کند و این ارگان مطابق با فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی است که بارها نظام را مشتعل بر دو رکن جمهوریت و اسلامیت مطرح کرده است و این ارکان در سخنان مقام معظم رهبری نیز کاملاً مشهود است."

همشهری ۳ مهر: رئیس مجلس با روحانیون قم ملاقات کرد و با ارائه گزارش از نحوه عملکرد مجلس ششم از آنها خواست که برای نمایندگان دعای خیر کنند و آنان را از راهبانیهای خود بهره مند سازند.

همشهری ۳ مهر: رسولی جماعتی ملوانی نماینده شهرهای فومن و شفت در نطق پیش از دستور خود در جلسه عتلی مجلس شورای اسلامی عنوان کرد که برنامه های ریاست محترم مجلس از اصلاحات مورد نظر مقام معظم رهبری حمایت می کند.

همشهری ۴ مهر: شکایت روزنامه نگاران عزت الله سبحانی، شمس الواعظین، عمادالدین باقی و گنجی در جلسه کمیسیون اصل ۹۰ مورد رسیدگی قرار می گیرد، گفته می شود که بیشتر استنادات پرونده های این افراد از بولتنهایی بوده که مشخص نیست چه کسانی آنها را تهیه کرده و برای مسئولین مختلف فرستاده اند.

خبرگزاری رژیم (ایرنا) ۴ مهر: طرح مواد ۹ گانه را که در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب آورده و زوجه می تواند با آزاده و یا استناد یکی از آنها تقاضای طلاق بکند از جمله: ترک عمدی همسر توسط زوج حداقل به مدت ۶ ماه، اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر، استکفاف از پرداخت نفقه، ابتلا زوج به امراض مسری صعب العلاج، عقیم بودن زوج، اختیار همسر دیگر و محکومیت قطعی زوج به حبس در اثر ارتکاب و ... از نظر شورای نگهبان خلاف شرع محسوب شده است. به دلیل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان این طرح

توسط رئیس مجلس برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد.

خبرگزاری رژیم (ایرنا) ۵ مهر: مدیر کل دفتر حقوقی وزارت کشور در گفتگو با ایرنا زوایای مختلف لایحه جرم سیاسی را در تشریح کرد، مدیر کل دفتر حقوقی وزارت کشور به بند ۳ این ماده که "سلب آزادی و یا محروم کردن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی" را از مصادیق جرم سیاسی دانسته است انتقاد کرد و گفت ارتباطی بین این بند و جرم سیاسی نیست و دیگر انتقاد به بند ۶ و ۲ که صرفاً توهین به رهبر و رئیس جمهور، جرم سیاسی شناخته شده است در حالی که اول باید عنوان شود اگر توهین به مقام آنان باشد، جرم سیاسی است و ثانیاً توهین به برخی مقامات در این لایحه مسکوت مانده است مثلاً اعضای شورای نگهبان.

آفتاب ۷ مهر: مجلس با کلیات طرح اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور موافقت کرد و این لایحه با ۱۳۷ رای موافق و ۷۴ رای مخالف به تصویب رسید. روزنامه کیهان در همین زمینه می نویسد: گروهی از دختران در جایگاه تماشاچی پس از رای گیری با کف زدن ابراز احساسات کردند که در پی تذکر ریاست مجلس را به عهده داشت مأموران انتظامی دختران را از مجلس اخراج کردند.

آفتاب ۷ مهر: محسن میردامادی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خواستار دعوت فلاحيان وزیر اسبق وزارت اطلاعات در مورد قتلهای زنجیره ای پائیز ۷۷ به کمیسیون امنیت ملی شد. میردامادی که عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی است در مورد ملاقات گردانندگان این جبهه با هاشمی رفسنجانی ابراز کرد که نمی داند به چه استنادی روزنامه ها این خبر را نوشته اند.

آفتاب ۷ مهر: فعل حرام - سید جلال نماینده لامرد در مخالفت با طرح اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور به استناد اصل ۴ قانون اساسی مبنی بر رعایت موازین اسلام گفت بر این اساس اگر یک زن و مرد در یک اتاق در بسته نماز بخوانند، نمازشان باطل است و سعی داشت با تعمیم این نظر از دیدگاه علما اعزام دانشجوی دختر را حرام قلمداد کند، بهزاد بسوی این نظر را شخصی دانست.

همشهری ۷ مهر: کروی در جمع فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران در مورد عفو عمومی و لغو گزینش گفت ارائه این طرح به مجلس با حد نصاب کمی میسر است اما باید منتظر ماند و دید که آیا این طرح به تصویب مجلس

می رسد یا نه. او گفت که: "تخصاً با این طرح مخالفم و معتقدم در مجلس باید طرحهای معقول تصویب شود" و افزود که سپاه پاسداران نهادی مقدس است که باید برای حفظ نظام رور به روز بر امکانات و استحکام او افزود و ادامه داد که: "اگر سپاه نبود، کشور هم نبود." کروی گفت مهمترین پشتوانه نظام، مردم و رای مردم است و ما معتقد به حکومت دینی و ولایت فقیه هستیم و همین ولایت فقیه را کاملاً قبول داریم و ضمن اعلام آمادگی مجلس برای همکاری در جهت رفع کمبودها و نارسائیهها در سپاه پاسداران خاطرنشان کرد که تفکر مجلس، تفکری معتقد به بیروهای مسلح و نهادهای انقلاب و تقویت آنهاست زیرا سپاه نهادی ریشه دار و انقلابی است و ... این نهاد مایه افتخار نظام اسلامی است. چند روز بعد دفتر رئیس مجلس اعلام کرد که کروی با عفو عمومی موافق و با لغو گزینش مخالف است و لغو کلی آن را به مصلحت نظام نمی داند و با طرح عفو عمومی پس از انجام کار کارشناسی و لحاظ نمودن شرایط خاص کشور به طوری که مصالح و منافع ملی مورد توجه قرار گیرد مخالفی ندارد.

همشهری ۱۱ مهر: آیت الله مکارم شیرازی طی نامه ای به رئیس مجلس به طرح اصلاح قانون اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور انتقاد کرد و عنوان این طرح را افزودن مشکلی به مشکلات مملکت دانست و از طرح لغو گزینش و عفو عمومی نیز انتقاد کرد. رئیس مجلس خواندن نامه مکارم شیرازی را در نطق پیش از دستور مخالف آئین نامه مجلس ندانست و با تأیید حرفهای مکارم شیرازی در مخالفت با اعزام دختران دانشجویان به خارج از کشور گفت فرستادن آنها به مصلحت نظام نیست.

آفتاب ۱۱ مهر: مهدی کروی رئیس مجلس گفت: خواندن نامه آیت الله مکارم شیرازی از باب تذکر بود، تصمیم گیری با مجلس و شورای نگهبان است. رئیس مجلس که نظر مخالف خود را با اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور اعلام کرده بود در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران که سؤال کرد آیا شما اصلاحات را کنار گذاشتید و محافظه کار شده اید گفت: من پرچمدار اصلاحات هستم و اصلاً هیچ اصلاح گری مثل من وجود ندارد. وی افزود بلایی که در مجلس سوم به سر ما آمد به خاطر اصلاحات بود. من همه اصلاحات

طلبان را پشت سر خود می دانم. کروی گفت عده ای می آمدند از خارج و می گفتند چرا پسرها را به خارج می فرستند آنجا آدم سالم نمی ماند حالا می خواهند دانشجویان دختر را به آنجا بفرستند.

مجلس در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۷

آفتاب ۱۲ مهر: رئیس مجلس گفت در مورد آزادی و مردم سالاری شعری می گوئیم که در قافیه آن گیر می کنیم و وعده هایی به مردم دادیم که فقط ایجاد توقع کرد و هیچ مشکلی را حل نکرد.

آفتاب ۱۴ مهر: دولت ممکن است لایحه تعریف جرم سیاسی را پس بگیرد. احمد پورنجانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در این باره گفت: استرداد یا احاله لایحه دولت در خصوص جرم سیاسی به طرح مجلس، مشکلی را حل نمی کند و باید آن را اصلاح کرد و جانسختین کردن یک لایحه به جای آن را به صلاح ندانست.

همشهری ۱۳ مهر - جهانگرد وزیر پیشنهادی خاتمی با کسب ۹۹ رأی موافق در مقابل ۱۱۷ رأی مخالف از مجموع ۲۴۱ رأی مأخوذه از مجلس ششم رأی اعتماد نگرفت.

همشهری ۱۴ مهر: جعفر کاموز یا مخبر کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت این کمیسیون پیشنهاد کرده که نام "طرح ممنوعیت ورود نیروی نظامی به دانشگاهها" به طرح "حفظ حریم دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، حوزه های علمیه و بیوت مراجع" تغییر یابد. وی گفت این طرح توسط این کمیسیون تصویب شده و به کمیسیون امنیت ملی داده شده است.

همشهری ۱۶ مهر - بررسی طرح عفو عمومی به دلیل این که وجه سیاسی این طرح بیش از وجه قضایی آن است به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی محول شد. این کمیسیون بعد از رسیدگی به طرح ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، طرح عفو عمومی را مورد بررسی قرار می دهد.

آفتاب ۱۸ مهر - سلامتی، دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مورد برخی از طرحهای ارائه شده به مجلس مانند "اعزام دختران دانشجو به خارج از کشور" گفت که او با این طرحها مخالف و اینها طرحهای اصلی نیستند که بتواند دولت را تقویت کند.

همشهری ۱۸ مهر - رضا خاتمی نایب رئیس مجلس گفت: تشکیل ستاد ویژه، مشکل امنیت را حل نمی کند و تشکیل ستاد هماهنگی تامین امنیت مرکب از اعضای بسیج سپاه، نیروی انتظامی و ارتش در قوه قضائیه از نظر قانونی مبهم است. او گفت ما منتظر جزئیات بیشتر از تشکیل این ستاد و استنادات قانونی و برنامه های آنان هستیم تا اگر مطابق قانون و به نفع مردم باشد از آن حمایت کنیم.

رانت خواران
محصولات فولادی

- م. م. حبیبی

براساس گزارشهای منعکس شده در مطبوعات رژیم، موج فزاینده واردات بی رویه محصولات فولادی، تولیدات داخلی صنعت فولاد در داخل را مورد تهدید قرار داده است.

دلایان و دست اندرکاران امر واردات کسانی هستند که در ارگانهای مختلف حکومتی، اعم از بنیادها و کمیته ها حضور فعال داشته، و از هرگونه اخبار مربوط به عرضه و تقاضا و قیمت های تعیین شده اطلاعات لازم را نیز در دست دارند.

سابقه امر به این صورت است که، دلایان و واسطه ها، آهن آلات ساخت داخل را مستقیماً از کارخانجات تحویل می گرفتند و توزیع آهن آلات در بازار آزاد بدون حضور آنان صورت نمی گرفت. این نیز مسأله ای نبود که مسئولان امر به آن واقف نباشند. ادامه این کار باعث افزایش قیمت آهن آلات ساخت داخل شد. سود حاصله از طریق این نوع معاملات طی یک سال برای واسطه ها به ۲۰۰ میلیارد تومان بالغ می شد. (کیهان ۱۸ مرداد ۷۶)

در پاسخ به این افزایش قیمت، دست اندرکاران وزارت معادن و فلزات و شرکت ملی فولاد، سیستم توزیع وزارت بازرگانی را علت اصلی افزایش قیمت اعلام کردند. وزارت بازرگانی نیز سیستم توزیع را بدون اشکال توصیف و کمبود آهن آلات مورد نیاز داخل را علت اصلی بالارفتن قیمتها دانست و خواستار واردات آهن آلات برای رفع این کمبود شد. بعد از این، کمیته ای تحت عنوان کمیته واردات در وزارت معادن و فلزات تشکیل شد، که براساس تصمیمات این وزارت خانه آهن آلات مورد نیاز مجوز ورود می گرفت.

بعد از چنین تصمیمی، رانت خواران محصولات فولادی که عطش سیری ناپذیری در بلعیدن سرمایه های باد آورده از طریق فروش آهن آلات ساخت داخل به دست آورده بودند، عرصه جدیدی برای تاخت و تاز خود یافتند. ولی برای این که راه را کاملاً باز کرده باشند، اعلام کردند که مقررات اعمال شده از جانب وزارت معادن و فلزات موانعی در راه انجام واردات ایجاد کرده است. وزارت معادن و فلزات نیز اعلام کرد برای فائق آمدن به مشکل گرانی تصمیماتی به این شرح اتخاذ کرده است:

۱- تعیین قیمت براساس قیمت حاشیه ای بازار

۲- افزایش عرضه تولیدات محصولات فولادی در کارخانجات داخلی

۳- افزایش واردات آهن آلات

۴- حذف عوارض ۲۵۰ ریالی از هر کیلو آهن وارداتی

آن طور که آمار نشان می دهد، روند واردات آهن آلات از سال ۷۵ آغاز شد، و در سال جاری نیز هم چنان سیر صعودی ادامه دارد. به عنوان مثال در سال ۷۷، ۲٫۴ میلیون تن آهن وارداتی به ارزش ۱/۱ میلیارد دلار در گمرکات ایران به ثبت رسیده است. نتیجه این تصمیمها نه تنها باعث کاهش قیمتها نشد بلکه با افزایش واردات آهن آلات از آسیای میانه، آن هم با کیفیت پایین، باعث شد که آنچه که در داخل نیز تولید می شود نیز مورد تهدید آهن آلات وارداتی واقع شود. به طوری که بسیاری از محصولات فولادی ساخت داخل در انبارها انباشته شد. بنا به گفته یکی از مسئولان وزارت معادن و فلزات، واردات ورقهای فولادی نامرغوب از کشورهای قزاقستان، روسیه و اوکراین، توسط تجار وابسته به اتاق بازرگانی به صنایع فولادسازی و درآمدهای ارزی کشور خسارت سنگینی وارد می کند. یک منبع آگاه در شرکت فولاد مبارکه در گفتگو با خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی در حاشیه نمایشگاه بین المللی تهران با انتقاد از این نوع واردات گفت: "متأسفانه ورق وارداتی بسیار نامرغوب بوده و پایین تر از استانداردهای پذیرفته شده در داخل کشور می باشند." وی با اشاره به اینکه تاکنون یک میلیون تن از این نوع ورقها وارد کشور شده است گفت: هم اکنون واردات این نوع ورقها توسط تجار و بازرگانان وابسته به اتاق بازرگانی و دیگر مراکز ادامه دارد. وی با تأکید بر اینکه ۶۳ کشور جهان در زمینه تولید فولاد و ورقهای فولادی فعالیت می کنند اظهار داشت: هنوز هیچ دلیل قانع کننده ای برای توجیه واردات ورقهای فولادی غیر استاندارد که نتیجه ای جز حیف و میل بیت المال ندارد از سه کشور فوق الذکر، ارائه نشده است! این منبع آگاه ظرفیت تولید فولاد مبارکه را سالانه ۳٫۱ میلیون تن برآورد کرد و گفت: به دلیل این نوع واردات، این شرکت تولید خود را به ۲۶ میلیون تن کاهش داده است." روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ مهر ۷۹

وزارت معادن و فلزات نیز برای حل مسأله انباشته شدن محصولات فولادی خود اقدام به عرصه ارزان آهن آلات ساخت داخل در بازارهای اتحادیه اروپا کرد، که این مسأله با مخالفت شدید کمیسیون بازرگانی اتحادیه اروپا مواجه شد. در این رابطه شکایتی علیه ایران در کمیسیون بازرگانی اتحادیه اروپا تنظیم شد.

آنچه که در این پروسه به خوبی قابل مشاهده است، این است که رانت خواران از اطلاعات و نفوذ لازم و کافی برای تسلط بر بازار محصولات فولادی

برخوردار هستند. چه از زمانی که مستقیماً محصولات فولادی را از کارخانجات داخل تحویل می گرفتند و عرضه و توزیع محصولات فولادی از طریق آنان صورت می گرفت. به طوری که سود عاید یک ساله آنان آن طور که مطبوعات رژیم به آن اذهان کردند به ۲۰۰ میلیارد تومان بالغ می شد. و چه زمانی که، تصمیم به واردات محصولات فولادی گرفته می شود، ساز این رانت خواران هستند که در عرصه بازار دلالتی حاکم بر ایران ترکتاری می کنند.

نکته ای که در این جا مطرح می شود این است که آیا در یک چنین فضایی صنعت فولاد با تمام سرمایه گذاریهایی که تا به حال در رابطه با آن صورت گرفته امکان رشد و توسعه خواهد داشت؟

آغاز طرحهای مربوط به فولاد و تأسیس سازمان ذوب آهن به سال ۱۳۴۶ برمی گردد. مجموع سرمایه گذاری های انجام شده از آن زمان تا سال ۱۳۷۶ آن طور که مسئولان ذیربط اعلام می کنند، بیش از پنج هزار و نهصد میلیارد ریال و هشت میلیارد دلار بوده است. به این ترتیب سهم ایران از تجارت ۸۰۰ میلیون تنی در جهان چیزی در حدود شش میلیون تن فولاد در سال ۷۶ بود این مقدار برای سالهای بعد تکرار نشد، طوری که میزان تولید برای سال ۷۷ به ۵/۵ میلیون تن کاهش یافت. در همین سال بود که فولاد خورستان با مشکلات جدی مواجه شد. موجودی این کارخانه برای مواد اولیه به اتمام رسید، تعمیرات کارخانه نیمه تمام به حال خود واگذاشته شد، میزان بدهی فولاد خورستان افزایش پیدا کرد، و این رقم به ۲ هزار میلیارد ریال رسید. در همین سال فولاد خورستان ۴۰۰ هزار تن محصولات فولادی خود را به دلیل مطابقت نداشتن با نیاز داخل در انبارهای خود انباشته کرده بود، که درنهایت مجبور شد این محصولات را به تهران منتقل کرده و با تخفیف بسیار به فروش برساند. همین سناریو برای فولاد مبارکه تکرار شد. این شرکت نیز مجبور شد محصولات انباشته شده در انبار خود را با ۲۰ درصد تخفیف در تهران به فروش برساند. شایان ذکر است که عمده محصولات صادراتی فولادی، از طریق فولاد خورستان و فولاد مبارکه صورت می گیرد.

واقعیت این است که هر بخش صنعتی در بستر اقتصادی وقتی امکان رشد و توسعه پیدا می کند که به پنج مؤلفه توجه لازم مبدول شده باشد.

- ۱- سرمایه گذاری
- ۲- استفاده از تکنولوژی نوین
- ۳- نیروی انسانی کارآمد
- ۴- دانش فنی
- ۵- مدیریت

بقیه در صفحه ۹

ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره بی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۱۰)

- اسماعیل وفا یغمایی

زیدیان (شیعیان شورشی)

جریان فکری و مبارزاتی تسبیح اگر چه در نهایت و در سالهای ۳۳۹ هجری به بعد در اصلی ترین شاخه بزرگ خود، در ایران خود را تثبیت کرد، ولی تا قبل از آن در جریان عبور بر بستر مادی تاریخی خود و در آمیزش با وقایع و حوادث مختلف، در شاخه های کوچکتر، و در انشعابات گوناگون چهره های مختلفی از خود را نشان داده است.

در جریان این گذر گاه پس از در گذشت هر یک از پیشوایان تسبیح شاخه یا شاخک های جدیدی یک چند خود را نشان می دهند و پنهان می شوند یا به صورت نخله ای کوچک اما پایدار باقی می ماند. در دوران امویان و در رابطه با علل سر تکونی امویان زیدیان یا زیدیه از قابل تامل ترین این شاخه ها هستند و مبارزان شهید این نخله فکری شیعی علیبرغم اختلافات جدی فکریشان با شیعیان دوازده امامی از زمره قدیسان شهید در فرهنگ و مذهب مردمند. زیدیان در نقاط مختلف بارها در راس شورشهای خونین ضد حکومتی قرار گرفته و سیمایی آمیخته با قهرمانی و شجاعت از خود به یادگار نهاده اند.

بعد از در گذشت علی ابن حسین، امام سجاد چهارمین پیشوا و امام شیعیان، انشعاب تازه ای در میان شیعیان رخ داد. گروهی از شیعیان به جای پذیرش، پنجمین امام، امام باقر، به گرد برادر او زید که جوانی بسیار شجاع و رزم آور و خوش سیما بود جمع آمد و او را به امامت خود بر گزیدند. مورخین نوشته اند زید تا پایان عمر و شهادت حماسی اش هیچگاه ادعای امامت نکرد، و دور نیست که شماری از شیعیان تند رو که از اشتغال دایمی پنجمین امام به امور دینی ناراضی بودند او را رها کرده و به سوی زید آمده باشند، و بعدها پس از پایان کار زید مقوله امامت او در بین پیروانش مطرح شده باشد.

زید طرفدار اقدامات قاطع علیه جنایات امویان بود از این رو شروع به تبلیغ و جمع آوری نیرو کرد و سر انجام به دعوت هواخواهان خود در کوفه، به کوفه رفت و علیه هشام ابن عبدالملک خلیفه اموی شورید. قیام زید ده ماه به طول انجامید. در ابتدا پانزده هزار تن به او پیوستند. در جنگ نهایی زید اگر چه با سیصد تن جنگ را شروع کرد ولی چنان شجاعانه جنگید که لشکر انبوه دشمن را

به وحشت افکند. رید و یارانش در این نبرد تا پایان جنگیدند و صحنه های جنگ و رفتار قساوت باری که دشمن در کشتن و بعدها سوزاندن جسد و ریختن خاکستر او به فرات از خود نشان داد بار دیگر ماجرای کربلا را در اذهان رنده کرد و حشم و نفرستی شدید علیه حکومت وقت بر انگیزت. مسعودی می گوید جسد زید قبل از سوزانده شدن پنجاه ماه در کوفه بر فراز صلیب ماند و پس از آن سوزانده شد. بعد از این ماجرا و اندک زمانی بعد گروههایی از زیدیان که تحت تعقیب بودند روانه ایران شدند. در میان این گروهها یحیی فرزند زید روانه خراسان شد و در آن جا پس از مدتها مبارزه با عمال حکومت، در سال ۱۲۵ هجری، چهار سال بعد از شهادت پدرش در موقعیت دومین امام زیدیان به همان سرنوشت دچار شد و سراسر خراسان را در سوگ خود نشانند. خاطره شهادت او و پدرش در جریان قیام ابومسلم یکی از انگیزه های اصلی عاطفی پیوستن مردم به شورشیان سیاه جامه بود. واقعیت این است که عموم مردم به ویژه در

پایگاههای اصلی شورش بیش از آن که به مرام و مکتب خاص یحیی و زید توجه داشته باشند از ریخته شدن خون آنها به عنوان دوتن از نوادگان علی و فاطمه و فرزندان حسین ابن علی به دست جلادان حکومت اموی بر انگیزت و خشمگین شدند.

بر مقدمه ماجرای زیدیه سیمای دو شورش عیبه امویان را می بینیم. پس از این اما در سالهای بعد زیدیان مکتب و مرامی خاص را تدوین می کنند که برخی مختصات آن عبارتست از:

- ۱- زیدیان برای امامان صفات قدوسی و عیبی قابل نیستند.
- ۲- برداشت زیدیان از امامت به برداشت اهل تسنن از امامت نزدیک است.
- ۳- زیدیان اعتقاد دارند امام باید از خانواده پیامبر باشد ولی جانشینی پدر به جای پسر را قبول ندارند.
- ۴- زیدیان معتقدند کسی باید از خاندان علوی به امامت برسد که پیشوایی فعال و صاحب اراده باشد.
- ۵- زیدیه اعتقاد دارند به دلیل مشکلات جغرافیایی و بعد

مسافت در یکرمان می تواند چند امام وجود داشته باشد.

۶- روابط زیدیان با اهل تسنن بهتر از شیعیان بود.

۷- زیدیان با صوفیگری مخالفند.

۸- زیدیان معتقدند اعراف یا آتش پاک کننده وجود ندارد.

۹- زیدیه با تقیه مخالفند و می گویند تقیه باعث خمود زوجیه شورشگری می شود.

۱۰- زیدیه با ازدواج موقت مخالفند و ازدواج زن زیدی مذهب را با غیر غیر زیدی ممنوع می دانند.

۱۱- زیدیه نظریه غیبت امام و ظهور مجدد او را قبول ندارند و معتقدند امام کسی است که خروج کند نه آنکه مستور باشد.

۱۲- زیدیه اعتقاد دارند امام از خطا مصون نیست و نیازی به اعجاز ندارد او از طریق برهان دعوت می کند و در راه امامت شمشیر می کشد.

۱۳- زیدیه از نظر سیستم الهیات به طور درست الهیات معتزله را قبول دارند.

۱۴- دانایی و پهلوانی و قهر با شمشیر علیه ظالمان از شرایط امامت زیدیان است.

۱۵- زیدیان در نماز پنج تکبیر می گویند و مانند شیعیان دوازده امامی حی علی خیر العمل می گویند.

۱۶- یحیی ابن زید پیش از کشته شدن وصیت کرد امامت زیدیان پس از او به محمد ابن عبدالله ابن حسن ابن حسن ملقب به نفس زکیه برسد که خود بعدها به عنوان سومین امام زیدیان شورش بزرگ را علیه دولت عباسی تدارک دید. زیدیان بعدها به نوزده انشعاب تقسیم شدند ولی تا قرن سوم از پر شورترین شورشیان ضد حکومتی باقی ماندند.

زیدیان در سال ۲۵۰ تا ۳۱۶ هجری در طبرستان حکومت کردند. در سالهای ۱۶۹ تا ۳۷۵ هجری شمال آفریقا و مراکش تحت حکومت زیدیان بود و از سال ۲۸۰ تا ۷۰۰ هجری زیدیان در یمن حکومت خود را بر پا کردند و هم اکنون نیز مردم یمن زیدی مذهبند. زیدیان در مشی سیاسی بسیمار شورشی و تند رو ولی در مشی اعتقادی محافظه کار بودند و از این زاویه مشابتهایی با خوارج دارند.

ادامه دارد

رانت خواران محصولات فولادی

بقیه از صفحه ۸

این پنج مورد عواملی هستند که در بستر مناسب خود سبب رشد و توسعه هر واحد صنعتی خواهند شد. این در حالی است که براساس تحقیقات سازمان توسعه صنعتی ملل متحد "یونیدو" که اخیرا در رابطه با فعالیتهای صنعتی در ایران صورت گرفته، ایران از نقطه نظر دانش فنی، نیروی انسانی کارآمد و مدیریت در وضع بسیار بدی قرار دارد. حال وقتی این موارد را در بستر اقتصاد تجاری - دلالی ایران وارد کنیم، می توان حدس زد که چشم انداز این بخش از صنعت استراتژیک چه خواهد شد.

وقتی که سرمایه داری تجاری - دلالی محور کلیه فعالیتهای اقتصادی قرار می گیرد، عرصه برای سرمایه گذاری تولیدی همواره تنگ تر می شود و انگیزه ای برای سرمایه گذاری تولیدی باقی نمی گذارد. چرا که بازده سرمایه گذاری تجاری به مراتب بیشتر از سرمایه گذاری دیر بازده تولیدی است. ادامه چنین روندی باعث از بین رفتن فرصت های شغلی و افزایش جمعیت بیکار خواهد شد. به دلیل فقدان واحدهای تولیدی به عنوان نهادهایی که امکان ایجاد فرصتهای شغلی بیشتری دارند، افزایش جمعیت بیکار نتیجه ناگزیر چنین روندی خواهد بود. در مقابل وقتی سرمایه داری تجاری فعال می شود، حاصل آن افزایش بخش خدمات در مقابل بخش تولید خواهد بود، که حاصل آن نیز افزایش نرخ تورم است. از طرف دیگر به دلیل وجود انحصارات متعدد در اقتصاد حاکم بر ایران، امنیت سرمایه گذاری نیز مورد تهدید قرار می گیرد. به همین دلیل است که روند فرار سرمایه ها به کشورهای حاشیه ای خلیج فارس افزایش پیدا کرده است. حاصل جمع عملکرد باندهای غارتگر رژیم این خواهد شد که نقش تولید در اقتصاد کمزنگ تر شود. بر اساس آمار منتشر شده، رشد تولید ناخالص داخلی سیر نزولی را طی می کند.

براساس این آمار تولید ناخالص داخلی در سال هفتاد و پنج ۴،۷ درصد رشد داشته است. همین آمار برای سالهای ۷۶، ۷۷ و ۷۸ به ترتیب ۳،۱، ۲،۱ و ۲،۴ درصد کاهش نشان می دهد. رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش ماشین الات در سال هفتاد و پنج ۶،۳ درصد بود که همین آمار برای سال ۷۸ به ۳،۲ درصد رسیده است. در خصوص تأسیس واحدهای جدید صنعتی نیز لازم به ذکر است که، در سال هفتاد و پنج ۹۱۸۲ واحد صنعتی جدید تأسیس شد، در حالی که پس از گذشت سه سال نه تنها این میزان، رشدی نداشته بلکه آمار منتشره حاکی از کاهش تأسیس واحدهای جدید صنعتی است. این آمار برای سال ۷۸ به ۸۰۹۶ واحد صنعتی است. از جانب دیگر آخرین بررسی های انجام گرفته از طرف بانک مرکزی در خصوص کارگاههای بزرگ صنعتی حاکی از این است که: از بین ۱۰۴ قلم کالای عمده تولید شده در این کارگاهها، تنها ۴۴ قلم بین ۲،۱ تا ۱۵۴،۹ درصد افزایش و مابقی ۵۹ قلم کالای عمده، بین ۰،۵ تا ۷۲ درصد کاهش داشته است.

به این ترتیب به رغم افزایش درآمدهای نفتی در سال جاری، نباید از چنین ساختار اقتصادی که باندهای مختلف غارتگر بر آن حکمرانی می کنند، انتظار معجزه داشت.

از میان نامه ها ..

من چند خطی در رد نظر آقای منصور امان در مقاله "مبادی نقد چپ و راست استحاله" نوشته ام. من به عنوان خواننده نبرد خلق انتظار دارم نظراتم در صفحه دیدگاهها درج شود.

در شماره ۱۸۱ نبرد خلق در مقاله "مبادی نقد چپ و راست استحاله" می خوانیم: "صف آرایشی آشکار جریانهای مثل راه کارگر، اتحاد فدائیان، حزب دموکرات در کنار گرایش استحاله عملاً جبهه دیگری و این بار از موضع چپ در برابر مدافعان سرنگونی می کشاید و در ادامه: "تنگنای آنان ریشه در این واقعیت دارد که از یک سو امکان تحول دموکراتیک تحت چارچوب جمهوری اسلامی را واقعی می بینند و ... آنان از سوی دیگر باید کاملاً مراقب باشند جنبش فشار به بسیج سرنگونی فرا نروید و از این رو ناچار به خرج بخش عمده ای از انرژی خود در مسیر زیگزاگ بین جمع و تفریق برانگیختن و ساکت کردن خواهند بود."

برای این که روشن شود نوشته های آقای امان از روی خواسته ذهنی اوست و نه واقعیت توجه خوانندگان را فقط به قطعنامه پلنوم مندرج در شماره ۵۹ راه کارگر که بخشی از آن را در زیر آورده ام جلب می کنیم: "ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام مبتنی بر دموکراسی و انتخابات آزاد را باید هر چه حصورانه تر به پیش کشید. از هر نوع خوش بینی و امید به جناحها و گرایشهای مختلف حکومتی که بی گمان همه شان در دوره های مختلف در جنایات و تبه کاریهای این رژیم دست داشته اند و به انحاء مختلف برای حفظ آن تلاش می کنند باید فاصله گرفت. - حاصلت کاملاً از جناحی و صد دموکراتیک انتخابات را که در آن حق انتخاب مردم گدمال شده و نه تنها جریانهای دموکراتیک و مخالف حکومت بلکه بخشی از جریانهای درونی حکومت نیز کنار زده شده اند به انحاء مختلف مورد اعتراض قرار دهید. - مبارزه بی گیر و جاری مردم برای مطالبات پایه ای شان نظیر جدایی

دین از دولت، حق حاکمیت مردم برای تعیین سرنوشت خود. آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، حقوق شهروندی، حقوق دموکراتیک ملیتها و اقلیتهای مذهبی، لغو آپارتاید و تبعیضات جنسی، برابری اجتماعی، معرفی و مجازات همه آمران قتلهای سیاسی ۲۰ سال گذشته، لغو مجازات اعدام و غیره را که تنها از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دست یافتنی اند پرتوانتر و هموارتر سازند."

برخلاف نظر آقای امان همه چیز روشن و واضح بیان شده است و حال اگر "راه کارگر" خود را ناجی مردم نمی داند و هرگونه باور و اندیشه قیومیت خواهانه را نفی می کند و بر نقش محوری مردم در دستیابی به حقوق خویش تاکید دارد آن موضوع دیگری است. و اما باید پذیرفت که در کشور ۷۰ میلیونی ما گوناگونی منافع و تنوع عقاید و مقاصد امری است روشن و غیر قابل انکار.

انکار این واقعیت و تنوع و در جوال کردن همه مردم به شیوه همه با هم حمینی، نه مفید است و نه ممکن. اما در عین حال در تاریخ مبارزه علیه نیروهای فاشیست و اشغالگر و غاصب همیشه لحظاتی پیدا می شود که منافع بخش گوناگونی - حتی آنها که با هم در تضادند - به طور موقت و گذرا بر هم منطبق می شوند. تهاجم دستگاه ولایت اکنون یکی از آن لحظات تاریخی را ایجاد کرده است. لحظه ای مثل کودتای ۲۸ مرداد علیه دکتر مصدق، ما همه کسانی را که با تهاجم دستگاه ولایت علیه آزادیها مخالفند - حتی آنهایی که یک روز پس از دفع تهاجم نمی توانند در کنار هم بنشینند و در مقابل هم قرار می گیرند را فرا می خوانیم اقدامات مشترکی که بر یک یلانفرم تک ماده ای استوار است، دفع تهاجم و فقط یک هدف را تعقیب می کند: در هم شکستن تهاجم.

سرنگون باد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم .

"راه کارگر" و راه دراز سرنگونی

— منصور امان

با تشکر از آقای سعید شجاعی به خاطر توجهشان به مقاله "مبادی نقد چپ و راست استحاله"

تعیین جایگاه جریانات در صف بندیهای سیاسی یا اجتماعی موجود، تنها بر پایه استناد به بند یا یک جمله گنجانیده شده در این یا آن برنامه ارائه شده توسط آنان، با توجه به پیچیدگی صحنه مادی مبارزه و فاکتورهای متعددی که مستقیم یا غیر مستقیم بر آن تاثیر می گذارند، چندان واقع بینانه نیست. همان گونه که مفاد یک برنامه عام ترین جهت گیریهای تدوین کنندگانش را در پهنه های گوناگون عرضه و معرفی می کند، به همان صورت نیز تناحت از آن بدون کسب یک تصویر عام، به درک مشخصی که پیش شرط داوری محسوب می شود، راه نخواهد برد. بیان دقیق و تأمل شده از آماج اصلی یک جریان سیاسی بیش از هر چیز منوط به دخیل دادن آثار ذهنی و مادی است که آن جریان از خود به جای گذاشته و می گذارد.

"حزب توده" در بخشی از مصوبات پلنوم هیجدهم خود "سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق مبارزه مسلحانه توده ای" را جزو وظایف خود قرار می دهد! اگر ابزار و محک سنجش گرایشهای سیاسی تنها به فاکتهایی از مندرجات برنامه ای آنها محدود شود بنابراین جریان مزبور را نیز می بایست در صف نیروهای انقلابی رادیکال و خواهان سرنگونی قرار داد. نما چون پروسه ترسیم عربندیهای سیاسی - اجتماعی از منطق پیچیده تری پیروی می کند، از این رو هیچ کس هم به این صرافت نخواهد افتاد که حزب توده را به دلیل انشاء جمنه یاد شده رادیکال یا مدافع سرنگونی بخواند و بداند.

خلاصه کنم، نیات مکتوب شده و تعاریف هویتی به طور مجرد و تا زمانی که صفحات کاغذ را تزئین می دهند (می دانیم که صبر کاغذ زیاد است!) تنها ارزش نمادین دارند، آن چه که به این تیرهای درشت روح و مفهوم می بخشد. "حسب ری است که گرایشها به محض حضور در صحنه مادی سیاست تولید می کنند و می سازند. اراده ای که در قالب سیاستهای مشخص، یک دیدگاه را به پیش می برد - مستقل از استنباط، نیات و تصویری که از آن ارائه می شود - جوهره آن را هم تعیین می کند. درک رابطه این دو عامل و دخیل ساختن خط مشی جاری در تحلیل مقاصد کلی، ارزیابی به

مراتب واقعی تر و همه جانبه تری از موضوع مورد مکاشفه به دست خواهد داد.

این واقعیت که "راه کارگر" (از این پس "ر-ک") دیرگاهی است استراتژی سرنگونی جمهوری اسلامی به مثابه دستور کار سیاسی روز را به کنار نهاده و تنها توسط حلقه های متعدد واسطه گاهی بدان گریز می زند، را می توان به خوبی در جا به جای اسناد کنگرها، بیانیه ها و انتشاراتش مشاهده نمود.

در حالی که "ر-ک" در طرح برنامه خود، منتشره سال ۶۶ اعلام می نماید: "سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق جهت گذار به سوسیالیسم مبارزه می کند. جمهوری دموکراتیک خلق محصول قیام مسلحانه کارگران و توده های ستم کشیده و یک دموکراسی توده ای است ...". با یک چرخش حیرت آور در کنگره چهارم خود، رویکرد پیشین را بدون هیچ توضیحی به کنار نهاده و می نویسد: "ما توجه به مشخصات شرایط کنونی، طرح فراندوم عمومی در باره جمهوری اسلامی، یکی از مؤثرترین شعارهای بسیج گر توده ای برای براندازی رژیم است. شعار فراندوم عمومی تو ذهنی محکمی است علیه دستگاه ولایت که مدعی برخورداری از حمایت توده ای مردم ایران است، هم استدلال محکمی است برای نشان دادن بی اعتنایی اصلاح طلبان به پایه ای ترین قاعده دموکراسی، و هم نشان دادن راه حلی است برای پایان دادن به خشونت و خون ریزی و متقاعد کردن همه آنها را که از خشونت و خونریزی نفرت دارند و هنوز هم دریافته اند که روحانیت حاکم جز منطق زور به چیز دیگری تن در نخواهند داد" (سند سیاسی کنگره چهارم - راه کارگر شماره ۱۶۲)

"ر-ک" به یک کرشمه به دو بلکه سه کار را همزمان به انجام می رساند، بدین ترتیب که اولاً "سرنگونی جمهوری اسلامی" به عنوان هدف فوری (طرح برنامه) را با "فراندوم عمومی" تعویض می کند، ثانیاً بر الترناتیو پیشنه های خود یعنی "جمهوری دموکراتیک خلق" به سود "جمهوری اسلامی آری یا نه" با سه عبارت روشنتر، هیچ الترناتیوی قلم می کشد. ثالثاً و به انبار تاکتیک "قیام مسلحانه" را که عملاً در تناقض آشکار با "فراندوم" قرار می گیرد، به ارسنوی ادعاهای تامل نشده می سپارد. و البته فراموش نمی کند به سبک همه "متمدن" شده های پس از این، پای "خشونت و خونریزی" را هم برای مدلل کردن ایده داهیهانه "جمهوری اسلامی آری یا نه" به میان بکشد. "ر-ک" متأسفانه مشخصات آن الهه های صلح و دوستی که بقیه در صفحه ۱۱

راه کارگر و راه دراز سرنگونی

بقیه از صفحه ۱۰

از خشونت خونریزی نفرت دارند" و باید توسط "رفراندوم" این جریان متقاعد بشوند را ذکر نکرده است اما چون او خود هیچ پیشنهادی و یا شاید بهتر باشد بگوئیم "شعار بسیج گر" دیگری که مطلقاً حواریون شاخه زیتون پس از متقاعد شدن می بایست پیرامون آن گرد بیایند را عنوان نمی کند، اجازه بدهید ما هم موضوع را زیاد جدی نگیریم!

همین کنگره دلایل اتخاذ این سیاست و رویکردانی از خط مشی پیشین را هم به دست می دهد:

۱- "فراموش نباید کرد که فضای ایدئولوژیک غالب در مقیاس جهانی بسیار محافظه کارانه است"

۲- "ما اکنون یکی از محافظه کارترین دوره های تاریخ معاصر بشری را از سر می گذرانیم"

ضدیت با انقلاب یکی از رایج ترین پدیده های این دوران است"

۱- "این ضدیت در ایران - به خاطر مسخ شدگی فاجعه بار انقلاب ۵۷ - دامنه گسترده ای پیدا می کند"

"مخالفت یکپارچه مردم با رژیم، ضرورتاً به معنای هم رأیی آنان در چگونگی رهایی از چنگ آن نیست"

۱- "هنوز اصلاح طلبان در میان مردم نفوذ زیادی دارند"

۲- "هنوز بخشهای قابل توجهی از مردم از خاتمی ناامید نشده اند" (همانجا)

کنگره بعدی "ر-ک" نه تنها بر محوری بودن شعار "رفراندوم" تاکید می ورزد بلکه این بار تلاش، ترجمه انگیزی هم برای توجیه آن به عمل می آورد. از جمله:

"خواست رفراندوم در باره سرنوشت رژیم، هم اکنون به انحاء مختلف و در مقیاسی نسبتاً وسیع مطرح می شود و حتی بعضی از گرایشهای رادیکال اصلاح طلبان حکومتی، زیر فشار مردم ناگزیر شده اند، به صورتهای مختلف و طبعاً دو پهلو و محافظه کارانه آن را طرح کنند." (سند سیاسی کنگره پنجم تک برگی راه کارگر - شماره ۸۳)

جستجو در مصوبات این کنگره و نیز انتشارات دیگر "ر-ک" برای پیدا کردن حداقل یک فاکت مشخص که ادعای این جریان پیرامون "طرح نسبتاً وسیع خواست رفراندوم" را مستند نماید،

بی فرجام است. اخبار جنشها، اعتراضات و خیزشهای توده ای نیز به چنین "خواست"ی اشاره نمی کنند، اما آنجا که به کشف رمز بیانات "دو پهلو" "اصلاح طلبان حکومتی" بر می گردد، ما در این زمینه از خود سلب صلاحیت می کنیم! چون گویا "ر-ک" برای تفسیر مواضع حکومتیان و تمیز دادن آنان از یکدیگر - همانگونه که در پایین خواهید خواند - بیشتر به متد کف بینی و فن شهیر فال قهوه متکی ست تا شواهد و فاکتهای واقعی!

در مصوبات این کنگره دیگر به الهه های صلح اشاره ای نمی شود ولی در عوض تقسیم بندی "اصلاح طلبان و طرفداران انقلاب" (سند سیاسی کنگره چهارم - بند ۵ - راه کارگر شماره ۱۶۲) بدون هیچ توضیحی رقیق تر شده و به "اصلاح طلبان حکومتی، گرایشهای رادیکال اصلاح طلبان حکومتی، اصلاح طلبان غیر حکومتی، اصلاح طلبان غیر معتقد به قانون اساسی" (سند سیاسی کنگره پنجم - بند ۹ - تک برگی راه کارگر شماره ۸۳) تسری می یابد.

ناگهان بر شمار نعلینها و کفشهای "اصلاح طلبان" که پشت در کنگره "ر-ک" جفت شده اند، افزوده می گردد بدون آن که پلاک صاحبانشان مشخص شده باشد. این دیگر واقعاً تردستی است و توسل به استیسی که از آن همه چیز می توان بیرون کشید! اگر سازمان مورد بحث ما تعریف مشخصی از "اصلاح طلبی" و ویژگیهای سیاسی آن تحت چارچوب جمهوری مالاها به دست می داد یقیناً به خود در پرهیز از این درهم اندیشی کمک کرده بود. و گرنه انصاف حضور - به لحاظ سیاسی - مستقل این چند نوع "اصلاح طلب" که ذره بین "ر-ک" آنها را حتی تا حد "گرایش" نیز بزرگ کرده است، با چه چیرگی و کجایمود پیدا می کند؟ وداع با "وظیفه فوری" سرنگونی در مصوبات سند سیاسی مزبور لحن صریح تری به خود می گیرد:

"در شرایط امروز ایران، دیگر، سخن گفتن از سرنگونی مجرد، در جا زدن است و عقب ماندن از جنبش عمومی بالفعل مردم." (همانجا)

پیشتر نیز یکی از رهبران این سازمان در این خصوص گفته بود: "شعار سرنگونی نه تنها کمکی به روند تدارک عملی فروپاشی یا سرنگونی جمهوری اسلامی نمی کند بلکه هر گونه اقدامی با این شعار با سرکوب شدید مواجه می شود." (اصغر ایزدی، بولتن مباحثات کنگره، راه کارگر شماره ۱۶۱)

برای پیدا کردن مبانی نظری که به این خط مشی راه می برند، می بایست زمان ریاسدی در جملات و فرمول بندیهای دو پهلو و اغلب متناقض مصوبات آخرین کنگره این جریان به جستجو پرداخت اما نتیجه یک بار دیگر در برگزیده این واقعیت است که هر چقدر تلاش برای توجیح توجیح نشدنیها بیشتر باشد، ماحصل غریبتر و مضحکتر از آب در می آید، توجه کنید: "راه کارگر" به "سه سطح اساسی مبارزه"، "سه مرحله متمایز روند سرنگونی" و بالاخره "سه جنبش شاخص و تنیده درهم" اشاره می کند (این که تصادفاً همه این تقسیم بندیها "سه گانه" هستند، لابد برای جور شدن قافیهِ و افزودن "بار علمی" به این استدلالات است و گرنه بسته به وسعت فائزگی، می توان به دلخواه بر شمارگان مراحل محبوب "ر-ک" افزود یا کاست بدون آن که در نتیجه ای که جریان مزبور پیشاپیش قصد کسب آن را کرده، تغییری حاصل شود).

"ر-ک" معتقد شده برای سه اصماج مختلف در سه سطح مختلف باید مبارزه کرد و آنها عبارتند از:

۱- مبارزه ضد استبدادی

۲- مبارزه برای دموکراسی

۳- مبارزه برای سوسیالیسم (سند سیاسی کنگره پنجم، تک برگی راه کارگر، شماره ۸۳)

به عبارت دیگر مبارزه علیه جلوه ها و آثار مادی استبداد، یعنی مجموعه ای گسترده از قواعد ناقص اختیارات و آزادیهای اجتماعی و فردی، مبارزه ای در خود، انتزاعی و بدون هیچ وجه اثباتی به شمار می آید، از این رو تنها پس از اتمام این مرحله نفی است که تازه مبارزه برای دموکراسی آغاز شده و مطالبات دموکراتیک و پی ریزی ساختارهای عینیت ساز آن به عنوان اهداف بلاواسطه به موضوع مبارزه تبدیل می گردند!

"مسئله این است که مبارزه مردم ایران، اکنون هنوز هم عمیقاً دارای خصلت ضد استبدادی است، یعنی هنوز از ضدیت با استبداد مدهی حاکم فراتر رفته است. هر مبارزه ضد استبدادی، هر چند زمینه مساعدی برای شکل گیری حیاتی دموکراسی به وجود می آورد، ولی به خودی خود، یک مبارزه مشخص برای دموکراسی نیست، آن چه در مبارزه ضد استبدادی کنونی، مردم را بر می انگیزاند و هم سو می سازد، بیش از هر چیز، نیروی نفی است، نیروی

برخاسته از رویارویی با رژیم موجود." (همان جا)

"ر-ک" به ما نمی گوید که این کشف جامعه شناسانه، جهانشمول هم هست یا نه، بنابراین اجازه بدهید با اندکی احتیاط، آن را فقط به شرایط کشور خودمان تعمیم بدهیم و صحت و سقم آن را در این پهنه بسنجیم. سازمان مورد بحث ما مسلماً نمی تواند ادعا کند "استداده مذهبی" هم چون مبارزه علیه آن مجرد است، نشریات و اطلاعاتی های مختلف آن حداقل چنین چیزی نمی گویند. حال باید پرسید حوزه های گوناگون استبداد و آن هم نوع مذهبی آن که اعتراض، مقاومت و شورش طیفهای گوناگون مردم علیه آنها را برمی انگیزد، ناقص چه چیزی هستند، کدام نیاز و مطالبه فردی یا اجتماعی را سرکوب می کنند و اصولاً "نفی" آنها - اگر از یک بستر واقعی سرچشمه می گیرد - در انتها خواهان چه چیزی ست؟ مسلماً جنبشهای پراکنده اجتماعی که علیه این یا آن تبلور مادی استبداد شکل می گیرند، چه به لحاظ سمت و سوی مبارزه شان و چه از حیث میزان زرفش مطالبات مقدم، هنوز از حرکت به سوی طرح مشخص یک الترناتیو سیاسی یا نظم اجتماعی متفاوت، فاصله خواهند داشت. این امر فقط به عوامل درونی این جنبش و آنچه که انگیزه ها و شاحصهای سیاسی - اجتماعی آنها را شکل می دهد و تعیین می کند، بستگی ندارد بلکه مجموعه ای از فاکتورهای دیگر برآمده از شرایط عینی و ذهنی که جنبشهای مزبور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تاثیر آنها قرار دارند یا قرار خواهند گرفت، جهت نمایی و بدوع سیاسی مطالبات عمده را ترسیم و نه نمایش می گذارند، اما این هرگز بدان معنا نیست که یک خودآگاهی مشخص پیرامون آن چه که جنبشهای اعتراضی علیه یا به سود آنها شکل می گیرند، وجود نداشته باشد. این معرفت که بیش از هر چیز، از تجربیات روزمره و حوزه های معین زندگی که در اصطحکاک مداوم با نظم محدود کننده و استبدادی نشأت می گیرد، تنها به "نفی" و دفع محصر نمی شود. حتی ابتدایی ترین اشکال اعتراضی در برابر وضعیت موجود، پیش فرض وضعیت مطلوب خود را دارند و آن را تبلیغ و معرفی می کنند، البته می توان فلان مطالبه را مثبت یا منفی ارزش گذاری کرد ولی انکار واقعیت وجودش، آن هم با این سماجی که "ر-ک" اصرار می ورزد، یا از به مرخصی

“راه کارگر” و راه دراز سرنگونی

بقیه از صفحه ۱۱
فرستادن قوه تعقل یا از مقاصد سیاسی معین حکایت دارد. در مورد جریان مورد بحث ما، فرض دوم به واقعیت بیشتر نزدیک است که مطمئناً بدان نیز خواهیم پرداخت.

جنبشهای گوناگونی که علیه تقلبهای انتخاباتی، تعطیلی دسته ای از مطبوعات، سرکوب دانشجویان و حتی ظاهراً بدون دلیل تهییج کننده ای رژیم ملاحا را به چالش می طلبند، قیامهای گسترده و فزاینده ای که در قزوین، اسلام شهر، شاتره، آبادان، خرم آباد، عجب شیر و ... تمامیت نظام را آماج حملات خود قرار می دهند، حتی اگر مطالبات دموکراتیک خود را به آن درستی که “ر-ک” هم بتواند آن را ببیند و بخواند پلاکارتیزه نکرده باشند، اما به خوبی روشن است که علیه چه و برای چه روی می دهند. این را فقط پاسداران بازنشسته و شکنجه گران خارج از خدمت که با دستپاچگی باند و جذب به ثبت می رسانند، روزنامه منتشر می کنند، “کار فرهنگی” می کنند و ریخت کلیشه ای آدمهای دموکرات را به خود می گیرند، درنیافته اند. جهت مبارزه رژیم و دسته بندیهای آن علیه جنبش جاری مردم و پوست انداختن تدریجی آنها در نقاطی که به ضرورت مقابله با آن مربوط می شود نیز بر این واقعیت تاکید دارد.

امروز در کشور ما - دقیقاً بر خلاف آن چه که “ر-ک” وانمود می کند ... بیش از هر زمان دیگری، مبارزه علیه استبداد با مضامین دموکراتیک تعریف شده و با آنها درآمیخته است. فقط نگاهی به سرفصل موضوعاتی که فضای سیاسی را تحت الشعاع خود قرار داده و مهر خویش را بر تحولات، تنشها و صف آرائیها حک می کند، گویای همه چیز است؛ آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب، به رسمیت شناسی حقوق زنان، جدایی دین از دولت، به رسمیت شناسی حقوق اقلیتهای ملی و مذهبی، انتخابات آزاد، حقوق بشر و و. اگر اینها موضوع مبارزه مشخص برای دموکراسی نیستند و فرایند شکل گیری ساختار سیاسی دموکراسی و زیربنای فرهنگی آن در بطن مبارزه برای آنها و علیه تمام تدابیری که آنها را از صحنه زندگی به کنار می زنند، نطفه نمی بندد پس باید

در درک “ر-ک” از دموکراسی - چیزی که ظاهراً به تازگی بدان گرویده است - تعمق بیشتری کرد. اما برای ورود به این بحث شاید پرداخت به یکی از مهمترین استدلالهای این سازمان برای خلع دموکراتیک کردن مبارزه ضد استبدادی، خالی از لطف نباشد. “سرنگونی رژیم ضرورتاً به معنای پیروزی مردم و پا گرفتن و پایدار ماندن دموکراسی و دستیابی به شرایط گذار به سوسیالیسم نیست. تجربه انقلاب ۵۷ به ما نشان داده است که حتی از بطن یک انقلاب توده ای نیز می تواند یک حکومت استبدادی کاملاً سرکوبگر و قاجاعه بار سر برآورد” (سند سیاسی کنگره پنجم، تک برگه راه کارگر، شماره ۸۲)

آری، سرنگونی رژیم مترادف “یا گرفتن و پایدار ماندن دموکراسی و دستیابی به شرایط گذار به سوسیالیسم نیست”، این تصور ساده لوحانه را فقط کسی می تواند داشته باشد که از فرط تناول هلوی پوست کنده، قانونمندیهای تکامل اجتماعی را با تابلوی “سبقت آزاد” یکی بیانگار. کسان دیگری نیز وجود دارند که آن گونه پیش شرطهایی برای یک وضعیت و در اینجا “سرنگونی” بر می شمارند و بر می تراشند که هر مؤمنی را از نزدیک شدن به آن تابوی مقدس برحذر می دارد! “ر-ک” ترکیبی ناهنجار از این دو کس است، یعنی از آن جایی که قصد نشستن پشت میز چیده شده را دارد و چنین تریطی فراهم نیست بنابراین زیر همه چیز می زند. با این دست مخالفت خوانیها نمی توان به “دوراندیشی” تظاهر کرد. زمانی بیشتر از این، یعنی هنگامی که “ر-ک” در سال ۶۶ و در برنامه خود “براندازی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق جهت گذار به سوسیالیسم” را در برنامه خود می نوشت، از چنین دغدغه های “دوراندیشانه ای” فارغ بود زیرا هر چند انبان ذهنیات مطلوب خود را فعالانه در طرح برنامه به خدمت گرفته بود اما به “براندازی” به مثابه یک خط مشی مادی می نگریست. امروز به نظر می رسد “ر-ک” توانسته باشد این تناقض را به سود ذهنیات جدیدی حل کرده و سیاستی متناسب با آن را بر پیشانی طرحها و ابتکارااش منقش کند. همین سیاست است که انگیزه های اصلی دلمشغولی “ر-ک” از اینده را با ملامت سؤال روبرو می سازد. چه برای رشد و نضج دموکراسی و رویش گرایشهای

دموکراتیک در جامعه به اراده های متشکل و نهادی شده، هیچ راه مطمئن تر - و البته پیر زحمت تری - از به انجام رساندن کامل و قطعی سرنگونی وجود ندارد. هر چه مبارزه برای برچیدن نظری و مادی دستگاه استبداد و ساختارهای مبتنی بر آن و زدودن کلیه آثار سیاسی - اجتماعی اش بنیادی تر و رادیکال تر باشد به همان میزان نیز امکان عینی بی بازگشت گردیدن پروسه تحولات و فرارویی پیوسته روندهای قطعیت یافته به نقاط عزیمت امابجهای نوین، واقعی تر خواهد بود.

استراتژی “رفراندوم” “ر-ک” نه تنها اقدام مؤثری در این زمینه محسوب نمی شود بلکه آن را می توان به درستی مانعی بر سر راه تکوین جنبش اجتماعی کنونی توده ها قلمداد نمود. زمانی که بحران تار و پود جامعه را فرا گرفته و آثار آن چه در بالا و چه در پایین را تقریباً روزانه می توان تعقیب کرد و حتی “جبهه دوم خرداد” نیز به نقش خود یعنی سد حائل میان مردم و “نظام” (بخوانید سرنگونی) اذعان دارد، دیگر چه چیزی را باید به فراندوم گذاشت؟ دامن زدن به این توهم که گویا با فراندوم چیزی را می توان در “نظام” تغییر داد، در حقیقت دعوت مردم به دست کشیدن از این مبارزه فعال و تبدیل آنها به سیاهی لشکر این با آن باند و دسته بندی حکومت است. از طرف دیگر طرح چنین نقشه ای، تحت حاکمیت رژیمی که سابقه برگزاری حتی یک انتخابات نسبتاً آزاد را در تاریخچه خود ندارد نیز بیشتر به دام گذاری شبیه است تا “راه حل”؛ اما اگر کسی تصور کند داستان مبارزه کم اهمیت صداستدادی توده ها و دوراندیشی حیاتی “ر-ک” به همین جا خاتمه پیدا می کند، یقیناً خطا رفته است، چه حتی موضوع “رفراندوم” پیشنهادی این جریان هم آن سکه نابی نیست که قصد فروش آن را در بازار سیاست کرده است. “ر-ک” اعلام می کند: “با توجه به مشخصات شرایط کنونی، طرح رفراندوم عمومی در باره جمهوری اسلامی، یکی از مؤثرترین شعارهای بسیج گر توده ای در براندازی رژیم است”. (سند سیاسی کنگره چهارم، راه کارگر شماره ۱۶۲)

در تعریف “شرایط کنونی” همان گونه که بیشتر گفته شد “ر-ک” مرحله کنونی جنبش را “ضد استبدادی” ارزیابی می کند. حال باید دید “مبارزه ضد استبدادی” علیه که و چه جریان می یابد:

“جنبش صد استبدادی مردم ایران، جز رویارویی با روحانیت حاکم و پنجه درافکندن با دستگاه ولایت فقیه راهی ندارد” (همانجا)

“برجسته ترین نقطه قوت جنبش ما این است که از آغاز، رکن اصلی استبداد مذهبی حاکم، یعنی رهبری و ولایت فقیه را نشانه گرفت” (همانجا)
“پیش روی مبارزه مردم با تمرکز حمله به دستگاه ولایت و تلاش برای منزوی کردن اصلاح طلبان حکومتی و واداشتن اصلاح طلبان غیر معتقد به قانون اساسی به حمایت از خواست مردم مقدور خواهد بود” (سند سیاسی کنگره پنجم، تک برگه راه کارگر، شماره ۸۳)
“حقیقت این است که هم اکنون، ضدیت با ولایت فقیه به مهمترین فصل مشترک خواستها و حرکتیهای مردم تبدیل شده است” (محمد رضا شالکونی، تک برگه راه کارگر، شماره ۸۴)

“سرنوشت مبارزات ضد استبدادی کنونی، در تحلیل نهایی، با جهت یافتن حرکتیهای کارگران و زحمتکشان به رویارویی مستقیم با ولایت فقیه تعیین خواهد شد” (همانجا)

قراردادن ولایت فقیه در کانون حمله جنبش “ضد استبدادی”، چکیده این تحلیل است. بنابراین نتیجه منطقی نیز این است که کلیه تدابیر سیاسی برای حل تضاد عمده مرحله کنونی جنبش، مستقیماً مانع اصلی را مورد توجه قرار داده و زیر ضرب بگیرد. حال اگر در نظر داشت که موضوع “رفراندوم” به خط محوری سیاست “ر-ک” تبدیل گردیده است، می توان جهت و هدف عمده این تاکتیک را نیز در خدمت مقابله با “ولایت فقیه” قلمداد نمود. امری که “ر-ک” خود نیز - همان گونه که در فاکتورهای بالا آمده است - به هیچ وجه منکر آن نیست. از این رو علامت سؤال مطرح شده در “رفراندوم” پیشنهادی این جریان نه در برابر “نظام جمهوری اسلامی” که مقابل “ولایت فقیه” و “حکومت دینی” قرار خواهد گرفت و فراخوان “ر-ک” صرف نظر از آن که خود خواهان چه چیز است و چه برداشتی از آن دارد - به انتخاب میان ملا و مکلا و به عبارت دیگر میان جمهوری اسلامی با وی ولایت فقیه محدود خواهد شد و این می تواند به هر چیزی شباهت داشته باشد جز نقشه برای سرنگونی! و دقیقاً به همین دلیل است که “ر-ک” از روشن کردن مضمون قدرت سیاسی که باید

محاكمه اشكوری در بی دادگاه شرع

— مهدی سامع
محاكمه آقای حسین یوسفی اشكوری در بی دادگاه روحانیت به اتهام "توهین به مقدسات اسلام" "محاربه"، "مفسد فی الارض" و "اقدام علیه امنیت کشور" یک بار دیگر چهره دستگاه "قضایی" در نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه را به نمایش گذاشت. طی بیست و یک سال گذشته دستگاه اهریمنی سرکوب در رژیم ولایت فقیه به اشکال مختلف مردم را دستگیر، شکنجه و در بی دادگاههای ارتجاعی محاكمه و بیش از صد هزار نفر را اعدام کرده است. موضع اخیر یوسفی اشكوری مبنی بر مخالفت با "حجاب اجباری" و "جدایی دین از دولت" که آن هم در خارج از کشور بیان شده، موضع صدها هزار زن و مرد ایرانی بوده که در گذشته به همین "جرمها" به زندان افتادند، شکنجه شدند و به چوبه های اعدام بسته شدند. بنابراین حسن یوسفی اشكوری، حتی در میان روحانیها، پیشتاز دفاع از حقوق سرکوب شده مردم ایران نیست. وی تاکنون بارها از قانونیت و قانون اساسی دفاع کرده و اجرای دقیق آن را خواستار شده است. چند سال قبل آقای اشكوری در مقاله در نقد نظرات محمد جواد لاریجانی که در مجله کیهان چاپ شد از "حق" مردم در مقابله با حکومت به جای "وظیفه" که لاریجانی طرفدار آن است دفاع کرد. اما محدوده این "حق" نه نفی ولایت فقیه، بلکه انتخابی بودن آن است. اشكوری می گوید: "سؤال اساسی این است که آیا انتخاب رهبری به وسیله مجلس خبرگان نوعی نمایندگی نیست؟ اگر نیست؟ چرا مردم اصولاً رأی می دهند و اعضای خبرگان رهبری را برمی گزینند؟ مگر جز این است که فقط خبرگان منتخب مردم حق

دارند رهبر انتخاب کنند؟ در این صورت مشروعیت و صلاحیت تصمیم گیری خبرگان در امر رهبری کاملاً برخاسته از رأی و خواست مردم است، نه جای دیگر" (کیهان شماره ۳۱- تیر و مرداد ۷۵). با این حال دستگاه قضایی ولایت فقیه وی را تاب نیاورد و به زندان افکند و به محاکم ناعادلانه ی شرعی کشید. اکنون نمایش مسخره محاكمه اشكوری به پایان رسیده و چه بسا تا انتشار نبردخلق، حکم وی اعلام شود. آن چه قطعی به نظر می رسد این است که این افتخار نصیب یوسفی اشكوری خواهد شد که خلع لباس شود و باز به نظر می رسد که این حکم جلال مورد استقبال قربانی قرار خواهد گرفت. در بازه این محاكمه و دیگر محاكمات غیر عادلانه که در سراسر دوران حیات جمهوری اسلامی جریان داشته، حرفهای زیادی زده است که اگر یک جا جمع شود به صدها کتاب قطور تبدیل می شود. اخیراً آخوند ابراهیم مروی معاون اول قوه قضائیه با بیانی بسیار موجز و صریح ماهیت "قضاوت" در رژیم ولایت فقیه را بیان کرده است. او می گوید: "قاضی باید تابع ولی فقیه باشد و هیچ استقلال در قضاوت ندارد... قاضی نمی تواند بگوید این نظر من است، قاضی باید تبعیت کند، قاضی منصوب از قبل فقیه است و استقلال در قضاوت ندارد" (خبرگزاری دانشجویان ایسنا ۱۷ مهر) نظام قضایی در جمهوری اسلامی نه فقط براساس "شرع" بلکه آن گونه که مروی آن را تشریح می کند باید تابع "ولی فقیه" باشد. یعنی دستگاه قضایی جزئی ارگانیک از سیستم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ماست و بنابراین هیچ تحولی در نظام قضایی میسر نیست مگر قدرت سیاسی مبتنی بر مذهب و استبداد سرنگون و یک قدرت سیاسی دموکراتیک جایگزین آن شود.

خراب هر چه دیوار بی پنجره

— مجید فرج اللهی

من به اندازه یک ابر دلم می گیرد
وقتی از پنجره می بینم حوری
- دختر بالغ همسایه -
پای کمیابترین نارون روی زمین
فقه می خواند
(سهراب سپهری)
چندین پای بلند را که هر دم تغییر شکل می دادند می توان مشاهده کرد.
سایه های لرزان این اجسام غول آسا چنان در هم گره خورده بودند که، گویی هیچ گاه از هم جدا نمی شوند. آسمان می رفت که بازتر شود و افق دید فراتر. جدال دو دیواری که روبروی هم قرار گرفته بودند بی نتیجه می ماند
پاهای آنها محو می شد و باز حیاط کوچک را به اسارت می کشیدند.
با فریادی هونناک چندین چشم باز می شد.
کابوس... کابوس... و باز هم کابوس
خودش نمی توانست به خاطر بیاورد که چندین بار چنین کابوسی را در عالم خواب لمس کرده است.
در سکوت شب دستی آشنا لیوان پلاستیکی پر آب را به سوی او می برد و... بخواب، آرام بخواب چیزی نیست
روز بعد حیاط کوچک غمزه. فرش خاکی خود را برای مدتی کوتاه به زیر پای محکومان باز می کرد تا اینان دقایقی و شاید ساعتی پای بر آن نهند و باز زمین و آسمان را بنگرند.
ده پانزده قدم... بعد عرض حیاط به پایان می رسد و با چند قدم بیشتر طول حیاط نیز زمان کوتاه است. باید نهایت استفاده را برد.
سریع و سریعتر باید قدم زد. چشمها تمام سنگهای کف حیاط را می شناسند. بعد از شمارش آنها نوبت به دیوار می رسد.
چند دیوار بلند که حیاط را محصور کرده اند، زلفان فلزی پر خار خود را افشان کرده و در لابلای آن پرندۀ آزادی را به میهمانی پذیرفته اند.
هنوز دیده با آسمان خسو نگرفته و راز و نیاز با پرندۀ میهمان پایان نیافته، که وقت وداع با حیاط غمناک می رسد. و تا نوبت بعد و... شاید تا هیچ وقت.
و شبی دیگر و کابوسی دیگر...
حیاط کوچک و پرس و صدا
دخترکان خردسال در عالم کودکانه به هر طرف می دوند، می خندند، زمین می خورند، می گریند و باز تکرار. یکی از ضعف جسمانی رنج می برد، بچه ای که زلفان رهایش را با یک سرپوش تیره به اسارت کشیده اند. سیب لک زده و کوچک خود را به همکلاسی گرسنه خود تعارف می کند. پاهای دیگری از ضعف توان کشیدن او را ندارد.
یکی غمگین است...
در دفتر مدرسه صحبت از برداشتن سرپوش بچه هاست. بر بالای دیوار مدرسه چند پرندۀ می گریند و نجواکنان می گویند، قرار است دیوارها بلندتر شود که کسی نتواند کودکان را ببیند... قرار است آسمان دیده کودکان تنگتر شود. اشک چشمان پرندگان بر زمین نقش می بندند.
پرندۀ ای با نوک کوچکش بر زمین می نویسد:
"خراب هر چه دیوار بی پنجره"

"راه کارگر" و...

بقیه از صفحه ۱۲
قاعدتاً یس از رفراوندوم جایگزین جمهوری اسلامی شود، طفره می رود و معرفی مهمترین دستاورد همه پرسی را به سطح "آری یا نه" تنزل می دهد.
ارائه بدیل سیاسی تنها زمانی می تواند موضوعیت داشته باشد که اصولاً اراده برکنار نمودن یا به زیر کشیدن حکومت وجود داشته باشد و "ر-ک" چون چنین هدفی را تعقیب نمی کند از این رو نیازی هم به ورود به این مبحث نخواهد دید.
پیشنهاد برگزاری رفراوندوم تحت چارچوب رژیم حاکم و قوانین آن و سپس انتخاب میان انواع گوناگون "اصلاح طلبان" و ولایت فقیه به نظر می رسد بتواند برای این سازمان ظرفیتهای "جنبش صد استبدادی" را به خوبی اشباع کند و گرنه هیچ دلیلی برای کنار گذاشتن "مجلس مؤسسان"، ایده ای که "ر-ک" سهم مهمی از انرژی خود را در گذشته به جانداختن و توضیح ضرورت و اهمیت آن اختصاص داده بود، وجود نمی داشت. نتیجه مستقیم رفراوندومی که قصد تعیین سرنوشت یک نظام در مجموع را کرده است، چیزی جز برکماری نظم سیاسی نوین از طریق مجلس مؤسسان نیست. "ر-ک" در خلال بحثهای مفصل خود پیرامون نقش این نهاد در گذشته، درس مزبور را به خوبی فرا گرفته است و نیز به روشنی آگاه است که "رفراوندوم" او چنین یک دگرگونی بنیادی را در دل نمی پرورد و از این رو بی سر و صدا پیشنهاد پیشین خود را بایگانی کرده و همه تخم مرغهایش را در سبد "رفراوندوم" و "اصلاحات" می گذارد.
اکنون می توان دریافت چرا "ر-ک" با سماجت تمام اصرار می ورزد که جنبش توده ای فقط "ضد استبدادی"، فقط "نفی کننده" و فاقد عناصر محرکه مبارزه دموکراتیک است. و نیز می شود سرچشمه هشدارهای آن پیرامون سرنگونی را روشن تر تعقیب کرد. کوه "رفراوندوم" "ر-ک" تنها قادر است چشم موش "اصلاحات" را به جهان پس از این باز کند و به آن حوش آمد بگوید، چیزی که نه درستی نه می توان آن را "دموکراسی" نامید و نه با آن به "سرنگونی" اندیشید. این تاکتیک محصول تفکری است که استحالۀ رژیم ملالها را به مثابه یک و شاید تنها امکان عینی دگرگونی در ساختار سیاسی حاکم ارزیابی کرده و به رسمیت می شناسد. و به همین دلیل فتنه جنبش را چه در شکل و چه در مضمون تا آن حد پایین می کشد که نتوان آن را در قالب تنگ خود جای داد. روی دیگر سکه را "ر-ک" با برشمردن چندین و چند نوع "اصلاح طلب" و معرفی "جنبش اصلاحات دینی" به عنوان یکی از شاخصهای مرحله کنونی به روشنی به نمایش می گذارد. از این روست که کلیه ویژگیهای محدود کننده ای که سازمان یاد شده پیرامون "جنبش ضد استبدادی" بر می شمارد در حقیقت تعریف ناپیگیری ذاتی و خصائل غیر دموکراتیک "جنبش اصلاح طلبی" در مجموع می باشد، یعنی همان فاکتوری که "ر-ک" برای آن به عنوان یک عامل مهم تحول، حساب ویژه باز کرده است.
بازتاب این سیاست در پهنه سازماندهی در شکل گرایش به علنی کاری، قانون گرایی، انحلال طلبی و تعریف مجدد اتحادهای سیاسی، خود را به نمایش می گذارد. در عرصه سیاست روز آن را در رویکردهای "ر-ک" به انتخابات شوراهای و مجالس شاهد بودیم و وو که هر کدام از این سرخطها خود می توانند موضوع مطالب جداگانه ای را تشکیل بدهند، اما اجازه بدهید فعلاً به همین جا بسنده کنیم.

جنبش جهانی علیه جهانی شدن اقتصاد در پراگ

— نیلا

روز ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۰ بیش از بیست هزار نفر از بانکداران، اقتصاد دانان و اربابان مالی برای پنجاهمین نشست بین المللی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی وارد پراگ پایتخت کشور چک شدند. این خانمها و آقایان "محترم" که تا چندی پیش به فعالیتهای ضد مردمی خود که منجر به فقر بیشتر در کشورهای فقیرتر می شد در پشت درهای بسته ادامه می دادند. در ماه نوامبر سال گذشته یک باره با موج عظیمی از مقاومت و اعتراض فعالان جنبشهای عدالت خواهانه در سیاتل علیه صندوق بین المللی پول روبرو شدند و این بار در پراگ یک بار دیگر این جنبش خواب را از چشمانشان ربود و ناچار شدند با حقایق روبرو شوند. IMF خود اقرار کرد که "در چند دهه اخیر نزدیک به یک پنجم جمعیت جهان تقریباً و یا کاملاً وضعیت اقتصادیشان بدتر شده است." و این که "بنوعی اقرار این یکی از بزرگترین شکستهای اقتصادی قرن بیستم است." اما با این حال همه این نهادها حاضر نیستند به نقش خود در ایجاد چنین وضعیتی اقرار کنند. در صورتی که طبق آمار ۵۴ درصد از کشورهای که از IMF وام گرفته اند درآمد سرانه شان تقلیل یافته، فقر بالا رفته، طول عمر کمتر گشته و به خواست IMF از مددهای اجتماعی کاسته شده است.

تظاهرات چگونه پیش رفت.

حدود ۱۲ هزار نفر در این تظاهرات شرکت کرده بودند که به ۳ دسته تقسیم شده بودند و هر قسمت با رنگهای آبی، زرد و یا صورتی مشخص می شدند. مسئولان تظاهرات با رنگ سیاه از دیگران متمایز می شدند که از آلمانها، یونانها و چکها بودند. در این تظاهرات ابیها در خط مقدم قرار داشتند که اکثر آنها نارنجیستها یا کمونیستها بودند. جالب توجه این که تعداد پلیس و نفرت ارتشی ۱۱ هزار نفر بود یعنی تقریباً به تعداد تظاهرکنندگان. از همان اولین روزهای تظاهرات درگیری سنگین بین نیروهای پلیس و تظاهرکنندگان صورت گرفت پلیس با به کار بردن زور و خشونت و استفاده از گاز اشک آور و شلنگ آب سعی به عقب

نشاندن تظاهرکنندگان کرد اما آنها با پرتاب تکه سنگهایی از ریمپهای قدیمی و کهنه پراگ، کوکتل مولوتف و آتش زدن لاستیکهای ماشین و چوب در مقابل پلیسها مقاومت کردند و در قسمتی با سوزاندن پرچم آمریکا شعار می دادند که "نظم نوین جهانی نمی خواهیم". در طول سه روز ۸۹۲ نفر توسط پلیس دستگیر شده و به زندانها منتقل شدند به طوری که بسیاری از تظاهرکنندگان به ناچار، محل تظاهرات را ترک کرده و در مقابل زندانها به اعتراض نشستند. همین چنین تظاهرات دیگری از شهر برپا شد که روی پلاکاردها شعارهای ضد فاشیسم و ضد تمایلات ناسیونالیستی نوشته شده بود اما ناسیونالیستهایی که معروف به Skin heed هستند با حمایت پلیس به تظاهرات ضد فاشیستی حمله کردند.

عکس العمل رهبران اقتصادی

بسیاری رهبران اقتصادی که در اثر نفوذ کارهای اشک آور به داخل سالن کنفرانس آورده شده بودند سعی کردند خودشان را نسبت به فقر در جهان به اندازه تظاهرکنندگان دلوسز نشان دهند و بسیاری از این که ۳ میلیارد انسان در جهان با درآمد کمتر از روزی ۲ دلار زندگی می کنند برابر شکفتی می کردند. رئیس بانک جهانی در سخنرانی خود گفت: "وقتی که ۲۰ درصد مردم جهان ۸۰ درصد ثروت جهان را در دست دارند نشان می دهد که یک اشکالی در کار است." او گفت: "ما می خواهیم جهانی شدن اقتصاد را وسیله ای برای به وجود آوردن موقعیتهای فرصتهای تازه کنیم و نه ایجاد ترس و وحشت." رهبران این دو سازمان هم چنین گفتند که ما به کشورهای فقیر اجازه می دهیم که در نقشه های برنامه های وام گیری دخالت بیشتری داشته باشند و سعی می کنیم برخی از بدهیها را نادیده بگیریم." اما تظاهرکنندگان پاسخ دادند که ما رفورم نمی خواهیم آنها باید به طور کلی خلع قدرت شوند. Manvett وزیر اقتصاد آفریقا از نمایندگان کشورهای ثروتمند شدیداً انتقاد کرد و گفت که آنها از کشورهای فقیر می خواهند که از بازار آزاد حمایت کنند. غالباً از بازار خود و محصولات کشورهای توسعه یافته حفاظت می کنند.

پراگ - جنبش جهانی علیه جهانی شدن

— جعفر پویه

خبرگزاریها - ۲ مهر: اولیوودومارسلوس، مسئول اقدام جهانی ملتها علیه سازمان تجارت جهانی که می گوید به نمایندگی از سوی دهها سازمان جهانی عمل می کند اعلام کرد مخالفان جهانی سازی در مجموع در ۱۱۰ شهر جهان از جمله ۲۰ شهر آمریکایی بسیج خواهند شد. به گفته او، کلیه اقدامات و تظاهرات ضد جهانی سازی، بحثها و رویدادهای فرهنگی که جزئیات آنها در سایت اینترنت این سازمان منتشر شده است، نه مناسبت مجمع سالانه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که در پراگ برگزار می شود در ۴۱ کشور جهان برگزار خواهد شد. او گفت: این اقدامات در چارچوب روز بین المللی ضد جهانی سازی انجام می گیرد. در همین حال دیدار جیمز ولفسون رئیس بانک جهانی با سازمانهای غیر دولتی که در چارچوب یک سیاست اشتی جوانه این نهاد بین المللی در پراگ برگزار شد به شکست انجامید. بیش از یکصد نماینده سازمانهای غیر دولتی از مجموع ۳۵۰ نماینده ای که قرار بود در نشست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی شرکت کنند، در مورد موضوعات مورد اختلاف خود با ولفسون گفتگو کردند. این نمایندگان در آغاز نشست روز اول مهر به سیاست اتخاذ شده در مورد دادن ویزا به سازمانهای غیر دولتی که بسیاری از آنها موفق به دریافت آن نشده بودند به شدت انتقاد کردند. اما ولفسون گفت که او مسئول سیاست ویزاها نیست.

۲ مهر: همزمان با اجلاس گروه هفت و نشست رئیس جمهور چک با نمایندگان سازمانهای غیر دولتی، هزاران مخالف جهانی سازی اقتصاد در اعتراض به گردهمایی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ساعتها خیابانهای مرکزی شهر پراگ را مسدود کردند. تظاهرکنندگان که از گروههای مختلف تشکیل شده بودند بسیاری از آنها پرچمهای سیاه در دست داشتند، کاروانی تشکیل دادند و پس از راهپیمایی در خیابانهای مرکزی پراگ، در میدان صبح دست به تظاهرات زدند. دو هتل ماریوت و رنسانس که محل اقامت برخی از ۱۸ هزار نماینده صندوق بین المللی پول و بانک جهانی هستند جزو ساختمانهایی بودند که ورودی آنها توسط تظاهرکنندگان مسدود شد. کاروان مخالفان بعد از ظهر روز فیل در حلقه محاصره نیروهای امنیتی میدان ونسلاس در قلب پراگ را که محل معاره های لوکس و رستورانهای زنجیره ای بین المللی است، به اشغال خود درآوردند. این تظاهرکنندگان که بسیاری از آنها چهره خود را پوشانده بودند شمارههای خصمانه علیه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و همین طور علیه فاشیسم و کاپیتالیسم سر می دادند. در همین حال صدها مخالفت دیگر جهانی سازی از کشورهای مختلف آلمان، انگلیس، فرانسه، جمهوری چک، ایتالیا ... در حالی که پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: "گدایای ما فروشی نیست" و "برای کار، صلح و دوستی" خیابانهای مرکزی پراگ را به تصرف خود درآوردند و خواستار لغو بدهیهای کشورهای در حال توسعه شدند.

۴ مهر - مخالفان جهانی سازی در دو تظاهرات به خیابانهای پراگ سرازیر شدند و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را به افزایش فقر در سراسر جهان متهم کردند. این تظاهرکنندگان با شرکت در مراسم تشییع جنازه نمادین هفت میلیون کودکی که هر سال به دلیل بحران بدهیها جان خود را از دست می دهند به اقدامات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که از لغو بدهی فقیرترین کشورهای جهان امتناع می ورزد، اعتراض کردند. در همین حال روز قبل صدها نفر از مخالفان سرمایه داری که عمدتاً جوان بودند، پرچمهای قرمبی را که بر روی آنها کلمه "انقلاب" نوشته شده بود، به اهتزاز درآوردند و خواستار مبارزه با سرمایه داری که به فقر کشورهای جهان سوم انجامیده است شدند. این تظاهرات از سوی گروه اقدام علیه جهانی سازی اقتصاد انجام شده بود. در همین روز پلیس جمهوری چک با ایجاد راهبندان در روی ریل راه آهن از ورود قطار حامل مخالفان ایتالیایی جهانی سازی به این کشور جلوگیری کرد.

۵ مهر- در گریبهای خشونت باز میان مخالفان جهانی سازی اقتصاد و نیروهای ضد شورش پلیس پراگ در اولین روز نشست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در پراگ بیش از ۱۰۰ محروح بر جای گذاشت و منجر به بازداشت دهها تظاهرکننده شد. این در حالی است که تظاهرکنندگان ضد جهانی سازی همزمان در تعدادی از شهرهای دنیا به سیاستهای اقتصادی دو نهاد بولی بین المللی اعتراض کردند. این تظاهرکنندگان به رغم اقدامات شدید امنیتی به نانکها، رستورانهای زنجیره ای آمریکایی از جمله رستوران مکدونالد و مایاشگاههای اتوموبیل حمله کردند و خسارات زیادی به آنها وارد آوردند. همچنین در مقابل ساختمان کنگره پراگ پرچم آمریکا را آتش زدند نزدیک به ۱۵ هزار مخالفان جهانی سازی از ملیتهای مختلف "ایتالیایی، اسپانیایی، یونانی، بلژیکی، فرانسوی، اسکاتلندی، چک، آمریکایی" که بسیاری از آنها صورتهای خود را پوشانده بودند با پاره آجر و کوکتل مولوتف به هزاران پلیس مسلح صد شورش چک حمله کردند و به شدت با آنها درگیر شدند. به گفته منابع خبری ۱۱ هزار پلیس برای مقابله با تظاهرکنندگان خشمگین از گاز اشک آور استفاده کردند اما در مقابل هجوم گسترده مخالفان مجبور شدند در اواسط روز تقاضای نیروی تقویتی کنند. در این تظاهرات دهها نفر زخمی شدند و ۱۲ پلیس به بیمارستان انتقال یافتند.

۶ مهر- تظاهرات مخالفان جهانی سازی در پراگ به خشونت کشیده شد. تظاهرکنندگان خشمگین به رجم دژ دفاعی پلیس پراگ که از هلیکوپتر و تانک هم استفاده می کرد موفق شدند خود را به نزدیکیهای مرکز کنگره پراگ برسانند. مخالفان جهانی سازی هم چنین با آتش زدن لاستیکها و ایجاد موانع متعدد، خیابانهای اطراف محل برگزاری نشست را مسدود کردند. به گفته شاهدان عینی، صدها تظاهرکننده حتی موفق شدند در مقابل چشمان هیأتهای شرکت کننده در اجلاس که بر روی تراس ساختمان تجمع کرده و نظاره گر خشونتها بودند، خود را به درهای ساختمان کنگره برسانند. پلیس از شرکت کنندگان در اجلاس

NABARD - E - KHALGH

Organ of the
Organization of Iranian
People's Fedayee Guerrillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi
Published by :
NABARD CULTURAL ASSOCIATION
No : 185 22. Oct . 2000

NABARD B.P. 20 91350 Grigny Cedex / FRANCE ***	NABARD Postbus 593 6700 AN-Wageningen HOLLAND ***
NABARD P.O Box London N7 7HX -ENGLAND ***	NABARD Post fach 102001 50460 Koln GERMANY ***
NABARD P.O Box , 710631 Herndon, VA 20171 U.S.A	NABARD Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA

بیانیه اکثریت نمایندگان کنگره آمریکا

خبرگزاری رویتر ۲۰ مهر - اکثریت نمایندگان کنگره آمریکا و بیش از ۲۰ سناتور روز چهارشنبه از دولت آمریکا خواستند تا سیاستهای سخت گیرتری نسبت به ایران اتخاذ کنند. اینها گفتند که تهران کماکان حقوق بشر را نقض می کند و برزیدنت محمد خاتمی در آوردن هرگونه بهبودی شکست خورده است. حدود ۲۲۵ نماینده کنگره و ۲۸ سناتور گفتند که صدها اعدام، شکنجه، حملات به ناراضیان در خارج و محاکمه اخیر سیزده یهودی ایرانی در پشت درهای بسته توسط یک دادگاه اسلامی " ما را به این نتیجه می رساند که هرگونه صحبت از فضای باز سیاسی یا میانه روی در مورد این رژیم مردود است". این قانونگذاران که شامل دموکراتها و جمهوریخواهان هستند از وزارت خارجه آمریکا خواستند تا سیاست موجود خود مبنی بر نزدیکی بی سر و صدا با تهران را لغو کند و شورای ملی مقاومت ایران را به رسمیت بشناسد و از آن حمایت کند. این سورا گروه اپوزیسیونی است که در تلاش است تا حکومت دینی حاکم در تهران را سرنگون سازد. گری اکرمین نماینده کنگره از حزب دموکرات و یکی از رهبران گروهی کنگره گفت "با این بیانیه که امروز ما به عنوان اکثریت اعضای کنگره ایالات متحده آمریکا منتشر می کنیم بدین وسیله روشن می سازیم که سیاست نسبت به ایران باید تغییر یابد به طوری که خواستهای اصیل مردم ایران را منعکس نماید". وی ادامه داد که: "اکنون زمان آن نیست که سیاست آمریکا با ایران وارفته و احساسی شود". بسیاری در کنگره آمریکا نسبت به سابقه و عملکرد خاتمی و همچنین در فشار بر رهبری محافظه کار رژیم برای تن دادن به اصلاحات، دلسرد شده اند. نمایندگان کنگره آمریکا حمایت قاطع خود را از شورای ملی مقاومت اعلام داشتند.

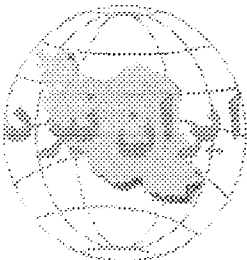
قانونگذاران همچنین عصبانی و سرخورده هستند از این که می بینند حمایت ایران از تروریسم و پیگیری برنامه تجاوزکارانه تسلیحاتی اتمی آن که در سالهای اخیر با کمکهای فنی از روسیه و سایر کشورها افزایش داشته، کماکان ادامه دارد.

یلیانا رز لهیتین نماینده جمهوریخواه از فلوریدا گفت: "حتی یکی از شرایط آمریکا برای بهبود روابط با ایران یعنی توقف نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، تلاش برای کسب تسلیحات کشتار جمعی و مخالفت با روند صلح، محقق نشده است اما در عین حال دولت آمریکا تصمیم گرفته که بسیاری از مجازاتهای اقتصادی که طبق قانون اعمال می شدند را لغو کند". قانونگذاران، سرکوب مطبوعات، سرکوب تظاهرات دانشجویی، شکنجه زندانیان سیاسی و افزایش شمار اعدامها را گواهی این دانستند که ریاست جمهوری خاتمی هیچ تغییر مثبتی به بار نیاورده است. در این بیانیه آمده است که: "چنین تنبیهات وحشیانه ای در زمان حکومت برزیدنت محمد خاتمی صورت می گیرد. همچنین روشن شده است که برخلاف حسابهایی که در غرب شده، انتخابات پارلمانی در ایران نه آزاد بوده و نه منصفانه اما تنها در جهت تثبیت نظام حاکم طراحی شده است". فشار روزافزون کنگره به واشینگتن برای اتخاذ سیاست سختگیرانه تری نسبت به تهران به دنبال حرکت مشابهی در پارلمان بریتانیا می باشد که طی آن ۳۲۵ عضو مجلس بریتانیا بیانیه ای را در ماه ژوئن به امضا رساندند که طبق آن روابط سیاسی و تجاری با تهران به احترام ایران به حقوق بشر مشروط شده بود.

پراگ - جنبش جهانی علیه جهانی شدن

بقیه از صفحه ۱۴

خواست خود را به تظاهرکنندگان خشمگین نشان بدهند و آنها را بش از این تحریک نکنند. شرکت کنندگان در این اجلاس در پایان نشست سرانجام تحت تدابیر شدید امنیتی و از ترس مخالفان جهانی سازی به وسیله یک خط متروی ویژه در زیر مرکز کنگره، ساختمان را ترک کردند. هم زمان با تظاهرات پراگ، هزاران تظاهرکننده، عمدتاً از دانشجویان و اتحادیه های کارگری در بسیاری از شهرهای جهان از جمله استانبول، انکارا، قبرس، نیویورک، پرتلند، هارتفورت و ... علیه سیاستهای پولی دو نهاد بین المللی در مقابل دفتر این نهاد دست به تظاهرات زدند. تظاهرات ترکیه در محاصره نیروهای ضد شورش برگزار شد و تظاهرکنندگان در خاتمه طی بیانیه ای اقدامات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را محکوم کردند. در پرتلند نیز پلیس سواره به تظاهرکنندگان خشمگین حمله ور شد. در پراگ یک پلیس امنیتی در مورد نمایندگان شرکت کننده در اجلاس که از تراس خوشنودها را تماشا می کردند گفت: آنها واقعا احمق هستند. اگر تظاهرکنندگان را تحریک کنند امشب از رفتن خبری نخواهد بود. نیروهای امنیتی پراگ در حالی که روی سقف خوردوهای زرهیشان دراز کشیده بودند، ساعتها هدف بطریهای پلاستیکی، کیسه های نایلونی پر از آب، هواپیماهای کاغذی، سنگ، چوب و ... قرار گرفتند. هارالد هاهن معلم ۳۳ ساله آلمانی گفت: خیف که تعدادمان زیاد نیست. آن قلعه را انجا با سربازان و خانه هایشان ببینید، انگار در قرن هیجده زندگی می کنیم. مخالفان جهانی سازی در مقابل خوشنودهای پلیس ابتکارهای زیادی به خرج دادند. بسیاری از دختران تظاهرکننده سوار بر دوچرخه در حالی که تلفنهای همراه به گوششان بود عملیات تظاهرکنندگان را در نقاط مختلف شهر پراگ هماهنگ می کردند. شاهدان عینی اعلام کردند شدت درگیریهای پلیس با مخالفان خشمگین جهانی سازی به حدی بود که پراگ را به یک منطقه جنگی تبدیل کرده بود. نیروهای تازه نفس برای سرکوب آنها به محل اعزام شدند.



ایران نبرد
آدرس نبرد خلق
در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com
E.Mail: nabard@iran-nabard.com

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم یا نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX FRANCE

Fax: USA 1-703 904 78 10
Italia 39-085 802 23 56

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

۷۵ فرانک فرانسه
۱۸ دلار آمریکا
۷ فرانک فرانسه

اروپا
آمریکا و کانادا
نک شماره

حساب بانکی سازمان

Name of Bank...SOCIETE
GENERALE
Address: BOULOGNE-S-SEINE /
FRANCE
Bank code: 30003
Post code: 03760
Account No: 00050097851
Beneficent name: Mme.Talat R.T

در گوشه و کنار جهان

- جعفر پوهه
jong_khabar@yahoo.com

بعد از به بن بست رسیدن آخرین نشست صلح فلسطین و اسرائیل در آمریکا، یاسر عرفات یک تورنمنت بین المللی را برای جلب افکار عمومی جهانی شروع کرد. او در این کار حتی از رفتن به ایران با علم به این که سران جمهوری اسلامی با الفاظ بسیار رکیک از او یاد می کنند، ترسی به خود راه نداد. مانور سیاسی حساب شده عرفات، اسرائیل را که مبارزه را در پشت میز مذاکره به او واگذار کرده بود، در عرصه بین المللی نیز به دیپلماسی فلسطینی واگذار کرد.

حدس این که اسرائیل کار را به میدان درگیری نظامی خواهد کشاند چندان دور از انتظار نبود. اما این که این بار درگیری در قلب اسرائیل و در رویارویی پلیس ضد شورش با اعراب ساکن اسرائیل شروع شود، توسط سیاست مداران اسرائیلی هم غافلگیر کننده بود. اعراب ساکن اسرائیل که در اعتراض به شیوه دولت در روند صلح دست به اعتراض مسالمت آمیز زده بودند، هدف گلوله سربازان قرار گرفتند و جرقه به بشکه باروتی که سالها اسرائیلیان سعی در نهان کردن آن داشتند سربایت کرد.

بعد از به خاک افتادن اسحق رابین که هدف گلوله گروههای تندرو اسرائیلی قرار گرفت، عرفات در مورد او گفت: من بهترین دوست خود را برای ادامه صلح از دست دادم) جناح مخالف صلح جان تازه ای گرفت، آنها با تحت فشار قرار دادن دولت و سنگ اندازی در روند صلح کار را به جایی کشاندند که مورد نظر آنان بود. یعنی میدان نظامی، و در این راه از آرپل سازون که خشونت او در مورد فلسطینیان شهره است بهره گرفتند. اعتراض سراسری در کلیه محله های فلسطین نشین و تیراندازی بی محابای سربازان اسرائیلی موجی از مخالفت جهانی را علیه اسرائیل برانگیخت. چنان که در اولین روزهای درگیری و حضور عرفات و باراک در یاریس رئیس جمهور فرانسه بدون رودبایستی باراک را مسئول این درگیریها شناخت و از او خواست تا درگیری نظامی را متوقف کند. هر چند در این بین اکثر رسانه های معروف جهانی به جای توجه به این اتفاقات، مسأله یوگوسلاوی و جشن سروری را که به دلیل استعفای میلوسویچ از قدرت به وجود آمده را پخش کردند و آن را انقلاب نامیدند. این در حالی است که قبل از انتخابات اکثر این رسانه ها اعلام کرده بودند که میلوسویچ باید قدرت را واگذار کند و به یک کارزار تبلیغاتی گسترده علیه او دست زده بودند. سوای از منفوریت یا محبوبیت

اعتصاب در ایتالیا

حسب گزاریهها ۱۹ مهر- خبرنگاران و گزارشگران رادیو و تلویزیون ایتالیا و آموزگاران این کشور برای تحقق خواسته های صنفی و مالی خود دست به اعتصاب زدند. آنها برای جلوگیری از عدم تمدید قراردادهای کاری خود و نیز افزایش حقوق یک روز دیگر نیز در اعتصاب خواهند بود. به همین علت بخشهای خبری رادیو و تلویزیون ایتالیا به حالت تعطیل درآمدند و روزانه ۲ پخش خبری بسیار مختصر پخش می شود. آموزگاران شهر رم نیز که از حدود ۱۰ روز پیش به تائوب در اعتصاب بودند، روز قبل نیز در کلاسهای درس خود حاضر نشدند. آنها به عدم تحقق وعده دولت به افزایش حقوقشان به میزان ۲۶۰ هزار لیر در ماه و هم چنین به تبعیض حقوق و نظام آموزشی اعتراض دارند. اتحادیه های مختلف کارگری ایتالیا نیز از این اعتصاب حمایت کرده اند.

اعتصاب در لوس آنجلس

سی ان ان ۲۰ مهر- از ۸۷ هزار کارگر عضو اتحادیه کار در لوس آنجلس کالیفرنیا ۴۷ هزار نفر دست به اعتصاب زدند. به گزارش سی ان ان کارکنان بیمارستانها در این شهر از اعتصاب منع شده و قاضی ایالت کالیفرنیا به آنها اجازه اعتصاب نداده است. ایالت کالیفرنیا با کمبود پرستار و نیروی فعال در بخش بهداشت روبهرو است و در صورتی که نیروهای بخش خدمات بهداشتی دست به اعتصاب بزنند، ایالت کالیفرنیا با مشکل عمده ای روبهرو خواهد شد. مقامهای مسئول در ایالت کالیفرنیا به کارگران پیشنهاد کردند، حقوق آنان ۹ درصد طی سه سال افزایش یابد، اما اتحادیه کارگران خواستار ۱۵/۵ درصد اضافه حقوق می باشند.

شهادت فدایی در آبان ماه

رفقای فدایی: سیروس سپهری -شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری فرد- رحیم خدادادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی - لقمسان مدائن - محمد سلیمانی(اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مهران محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مهین جهانگیری-محمد قلی جهانگیری-عزیز پور احمدی-علی رضا شفیعی- علی بهروزی-محمد قادری-حسین رکنی-احمد پیل افکن-احمد گراوند-علی اصغر ذاکری-سلیمان سلیمانی-فرج الله نیک نژاد-مرتضی فخر طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - محمد حسین خادمی از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند

احکام اعدام توسط رژیم

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۸ مهر - رژیم ضد بشری اخوندی ظرف دو هفته گذشته ۱۱ تن را به دار اویخت و ۲ نفر دیگر را به اعدام محکوم کرده. این ترتیب شمار اعدای مهمل اعلام شده از آغاز سال جاری میلادی به ۱۷۹ مورد بالغ می گردد. به گزارش روزنامه قدس، روز گذشته نظام علی عیسی زاده ۳۵ ساله، و محمد آدم ۳۴ ساله، در زندان قصر تهران به دار اویخته شدند. کیهان ۲۵ مهر از اعدام دو نفر تحت عنوان مفسد فی الارض در شهر قم در ملا عام خبر داد. در تاریخ ۲۳ مهرماه، علی عابدی یک جوان ۱۸ ساله که از ۵ سال پیش زندانی بود، در ایلام در ملاعام به دار اویخته شد. به اعتراف خود رژیم علی عابدی به هنگام ارتکاب جرم فقط ۱۳ سال داشت. جمهوری اسلامی ۲۳ مهر- از اعدام ابوبکر خاشی در ایرانشهر و روزنامه قدس ۱۹ مهر، از اعدام جلال دهقان به اتهام قتل یک مأمور نیروی انتظامی در میدان اصلی شهر سراوان (سیستان و بلوچستان) و روز ۱۳ مهر از اعدام یک جوان ۱۹ ساله در ملا عام در آزاد شهر (استان گلستان) خبر داده بودند. به گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا در روز ۱۱ مهر، ۳ تبعه افغانی در کرمان با چرقتیل در ملا عام به دار اویخته شدند. به نوشته روزنامه ابرار، ۲۸ مهر، یک جوان ۱۹ ساله به نام یوریا راسخ در تهران به اعدام محکوم شد. روزنامه قدس ۱۳ مهرماه نیز از محکوم شدن یک جوان دیگر به اعدام و ۸۰ ضربه شلاق در تهران خبر داده بود. مقاومت ایران توجه اجلاس جاری مجمع عمومی ملل متحد را به ادامه اعدام های علنی در ایران جلب نموده و خواهان تصویب یک قطعنامه شدیدالجن در محکومیت قاطع این رژیم قرون وسطایی می باشد.